



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

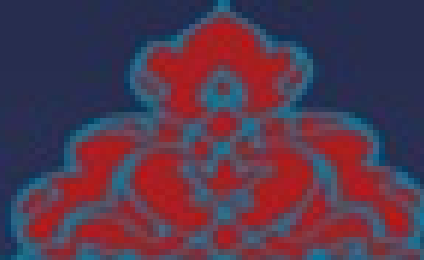
.com

.org

.net

.ir

شهر
سرخن



گوته عشق

نمونه فیش سخنرانی
ویژه ایام فاطمیّه
۱۴۲۶ ه.ق

تهران، بهمن ماه ۱۴۲۶
دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز اسناد، کتابخانه ملی و سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
مهرماه ۱۴۲۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهد سخن ۷: کوثر عشق (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام فاطمیه ۱۴۳۶ ه.ق)

نویسنده:

گروه پژوهش‌های کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر چاپی:

دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	شهادت سخن ۷: کوثر عشق (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام فاطمیه ۱۴۳۶ ه.ق.)
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست
۱۵	مقدمه
۱۹	شب اول : ولایت مداری حضرت زهرا سلام الله علیها
۱۹	اشاره
۲۱	انگیزه سازی
۲۲	اقتناع اندیشه
۲۷	پرورش احساس
۲۸	رفتار سازی
۳۰	روضه
۳۴	شب دوم : استقامت تاریخی حضرت زهرا سلام الله علیها
۳۴	اشاره
۳۶	انگیزه سازی
۳۷	اقتناع اندیشه
۴۱	پرورش احساس
۴۳	رفتار سازی
۴۴	روضه
۴۸	شب سوم : نقش تاریخی حضرت زهرا سلام الله علیها در ثبات جامعه اسلامی
۴۸	اشاره
۵۰	انگیزه سازی
۵۱	اقتناع اندیشه

۵۶	پرورش احساس
۵۸	رفتارسازی
۵۹	روضه
۶۵	شب چهارم : هدایتگری حضرت زهرا سلام الله علیها
۶۵	اشاره
۶۷	انگیزه سازی
۶۹	اقتناع اندیشه
۷۴	پرورش احساس
۷۶	رفتار سازی
۷۷	روضه
۸۰	شب پنجم: بصیرت دهی حضرت زهرا سلام الله علیها
۸۰	اشاره
۸۲	انگیزه سازی
۸۴	اقتناع اندیشه
۸۹	پرورش احساس
۹۱	رفتارسازی
۹۳	روضه
۹۶	درباره مرکز

شهد سخن ۷: کوثر عشق (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام فاطمیه ۱۴۳۶.ق)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: شهد سخن ۷: کوثر عشق (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام فاطمیه ۱۴۳۶.ق) / دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

مشخصات نشر: دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد خرداد ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۸۴ ص

زبان: فارسی

موضوع: ایثار و شهادت

موضوع: حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها

موضوع: بصیرت - هدایتگری

موضوع: ثبات جامعه - ولایت مداری

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢

شهد سخن ۷

کوثر عشق

(نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام فاطمیه ۱۴۳۶.ه.ق)

ص: ۳

شهد سخن ۷: کوثر عشق (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام فاطمیه ۱۴۳۶.ه.ق)

مشخصات نشر: دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد خرداد ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۸۴ ص

زبان: فارسی

موضوع: ایثار و شهادت

موضوع: حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها

موضوع: بصیرت - هدایتگری

موضوع: ثبات جامعه - ولایت مداری

ص: ۴

فهرست

۷	مقدمه
۱۱	شب اول
	ولایت مداری حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
۱۳	انگیزه سازی
۱۴	اقتناع اندیشه
۱۹	پرورش احساس
۲۰	رفتار سازی
۲۲	روضه
۲۵	شب دوم
	استقامت تاریخی حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
۲۷	انگیزه سازی
۲۸	اقتناع اندیشه
۳۲	پرورش احساس
۳۴	رفتار سازی

شب سوم ۳۹

نقش تاریخی حضرت زهرا علیها السلام در ثبات جامعه اسلامی

انگیزه سازی ۴۱

اقناع اندیشه ۴۲

پرورش احساس ۴۷

رفتار سازی ۴۹

روضه ۵۰

شب چهارم ۵۵

هدایت‌گری حضرت زهرا علیها السلام

انگیزه سازی ۵۷

اقناع اندیشه ۵۹

پرورش احساس ۶۴

رفتار سازی ۶۶

روضه ۶۷

شب پنجم ۷۱

بصیرت‌دهی حضرت زهرا علیها السلام

انگیزه سازی ۷۳

اقناع اندیشه ۷۵

پرورش احساس ۸۰

رفتار سازی ۸۲

روضه ۸۴

«بسم الله الرحمن الرحيم»

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فرموده قرآن، اسوه شایسته همه خداباوران است: لقد كان لكم في رسول الله اسوه حسنه لمن كان يرجوا الله و اليوم الآخر و ذكر الله كثيراً؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله سرمشق نیکویی می باشد، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند خدا را بسیار یاد می کنند (احزاب ۲۱).

اقتداء و تاسی کامل به رسول خدا صلی الله علیه و آله توفیقی است که تنها نصیب کسانی خواهد شد که دل در گرو عشق خداوند دارند و او را بسیار یاد می کنند. رسول مکرم صلی الله علیه و آله که خود شایسته ترین اسوه حسنه مؤمنان هستند، به کرات یگانه دخترش را پاره وجود خویش، روح و ریحان خویش و جان و جانان خویش می خواند و با تعابیری گوناگون رضایت او را رضایت خود و ناراحتی او را ناراحتی خود اعلام می دارد. چنین تاکیدات متواتری از جانب رسول الله صلی الله علیه و آله به چه هدفی صادر گردیده است؟ چرا پیامبر رحمت، بر این حقیقت فراوان تاکید می ورزد که

ص: ۷

فاطمه، پاره ای از وجود من است؟ آیا این همه تاکید جز برای آن است که توجه همه مؤمنان طول تاریخ را به اسوه پذیری از ابعاد زندگانی فاطمه، در مقام استمرار بخش سیره پیامبر صلی الله علیه و آله جلب کند؟ چرا چنین نباشد در حالی که وجود فاطمه از وجود رسول خدا جدا نیست. وجود فاطمه، قسمتی از وجود رسول خداست و سیره او جلوه دیگری از سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود فاطمه، مکمل وجود رسول خداست و اسوه گری فاطمه، تکمیل کننده اسوه گری شایسته ترین اسوه حسنه. فاطمه، استمرار اسوه حسنه است و این است رمز و راز آن که سیره فاطمه علیها السلام برای همه امامان از نسل او، حجت و الگو می گردد: نحن حجه الله علی الخلق و فاطمه حجه الله علینا؛ ما (امامان معصوم) حجت خداوند بر مردمان هستیم و فاطمه حجت (خداوند) بر ما. (تفسیر اطبیب البیان، جلد ۱۳، ص ۲۲۵، ذیل آیه ۳ از سوره جن)

اسوه گری سیره فاطمه زهراء علیها السلام چنان در اوج یگانگی است که وجود مبارک بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف فاطمه علیها السلام را اسوه نیکوی زندگانی خویش معرفی می فرماید: و فی ابنه رسول الله لی أسوه حسنه؛ همانا در دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله برای من الگویی شایسته وجود دارد (بحار الانوار ۵۳: ۱۷۸). این تعبیر حاکی از آن است که اقتدای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت زهراء مرضیه علیها السلام، نه از آن جهت است که فاطمه علیها السلام، مادر آن حضرت است بلکه بدین جهت است که آن دردانه هستی، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و استمرار وجود اوست؛ پاره تن رسول خداست و اسوه پذیری از وی، همان اسوه پذیری از رسول خداست.

مقام معظم رهبری در خصوص این بانوی باعظمت می فرمایند: من حقیقتاً، نه به عنوان تعارف، نه به عنوان یک حرف

هزاران بار تکرار شده، واقعاً قاصرم؛ زبان قاصر است، دل قاصر است، ذهن قاصر است که بخواهد از این مقام بلند تعریف و تجلیل کند؛ این موجود انسانی، این دختر جوان، این همه فضیلت، این همه درخشندگی، این همه کبریا و عظمت؛ که کسی مثل پیغمبر وقتی فاطمه زهرا علیها السلام بر او وارد می شد، «قام إلیها»؛ نه فقط بلند می شد، بلکه بلند می شد و به سمت او می رفت. یک وقت یکی وارد اتاق می شود، شما به احترامش بلند می شوید؛ یک وقت کسی وارد اتاق می شود، شما با اشتیاق به طرفش می روید. اینها مگر شوخی است؟ این بحث پدر - فرزندی نیست. پیغمبر خدا اینجور از فاطمه زهرا تجلیل میکند؛ رضای او را رضای خود، رضای خود را رضای خدا؛ سخط او را سخط خود، سخط خود را سخط خدا اعلام می کند؛ اینها مقامات فاطمه زهرا است. آن زندگی با امیرالمؤمنین، آن تربیت آن فرزندان. خب، مگر می شود درباره این بزرگوار، امثال ما حرف بزنیم؟ ۱۳۹۱/۲/۲۳

باعنایت به ابعاد گسترده شخصیتی حضرت زهرا علیها السلام و ویژگی های ایشان به عنوان الگو، بر همه افرادی که می توانند به نوعی در مسیر معرفی شخصیت این بانوی مکرمه قدمی بردارند، واجب است که نقشی را ایفا نمایند.

بی شک تقارن نوروز با ایام فاطمیه، رسالتی سنگین و کلیدی را بر دوش نخبگان فرهنگی جامعه به خصوص ائمه محترم جماعات که در ارتباط مستقیم با مردم می باشند قرار داده است و از آنان انتظار می رود ضمن ترویج سنت های حسنه دید و بازدید و صله رحم و رفع کدورت ها، از تبیین شاخصه های سبک زندگی فاطمی و تاکید بر حفظ حرمت فاطمیه در این ایام تعطیلات غافل نشوند.

تحویل سال در چنین فضایی معنوی که مملو از عطر فاطمی است، می‌طلبد که بیش از پیش خود را به حیل متین الهی گره
بزنیم و به آستان معصومین علیهم السلام تمسک جویم. و از درگاه الهی بخواهیم به برکت و واسطه حضرت صدیقه کبری
علیها السلام، حال ما را حقیقتاً به بهترین حال‌ها مبدل گرداند.

ضمن سپاس از نویسندگان و محققین ارجمند این اثر علمی و تشکر از همکاران گرانقدر در دفتر مطالعات و پژوهش‌ها،
امیدواریم این اثر، در نگاه شما گرامیان به ویژه ائمه محترم جماعات مقبول افتاده و پیشنهادات و نظرات ارزشمند خویش را از
خادمان خویش در معاونت فرهنگی اجتماعی مرکز دریغ نفرمایید.

ص: ۱۰

شب اول : ولایت مدارى حضرت زهرا سلام الله عليها

اشاره

ص: ۱۱

حضرت باقر (علیه السلام) از پدر بزرگوارش نقل می فرماید که ایشان ازدواج حضرت فاطمه (سلام الله علیها) را یادآوری کرده و فرمودند: «روزی حضرت زهرا از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درخواست کرد تا خادمی برای او فراهم فرماید، تا آنجا که فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در یکی از جنگ ها و غزوه های ساحلی، اسیرانی نصیبش شد، آنها را تقسیم فرمود و دو زن را که یکی جوان و دیگری به سن کمال رسیده و از جوانی گذشته بود، برای خود نگه داشت. به دنبال حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرستاد و دست یکی از آن دو را گرفته در دست فاطمه (سلام الله علیها) گذاشت و فرمود: ای فاطمه! این از آن تو باشد، او را کتک نزن. زیرا من دیدم که نماز می خواند و جبرائیل مرا از این که نمازگزاران را کتک بزنم، نهی کرده. و بدین سفارش و توصیه تأکید فرمود. فاطمه که دید رسول خدا مرتب سفارش وی را می کند، روی به حضرت کرده گفت: ای رسول خدا! کارهای خانه یک روز بر عهده من و یک روز بر عهده او باشد. اشک از دیدگان رسول خدا سرازیر شد و فرمود:

اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ (۱)

خدا بهتر می داند رسالتش را کجا قرار دهد

ذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲).

فرزندانی که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند، و خداوند شنوای داناست.» (۳)

آری! فاطمه (سلام الله علیها) وقتی حساسیت پیامبر گرامی اسلام را می بیند، این گونه اطاعت از امر ولی را پاسخ می گوید و ولایتمداری خویش را در برابر توصیه های پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) بدین صورت به اثبات می رساند.

اقناع اندیشه

خداوند متعال در قرآن کریم ولایت و سرپرستی را مختصّ خودش اعلام فرموده و می فرماید:

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ (۴).

آیا به جای او سرپرستان و معبودانی برای خود گرفته اند؟ در حالی که سرپرست و معبود واقعی خداست.

البته خداوند برای بندگان صالح و فرمانبردارش که در مسیر او قدم برمی دارند و سعی در هدایت بشر دارند نیز این ولایت را قرار داده است همان گونه که می فرماید:

إِنَّمَا وَكَّلْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ

ص: ۱۴

۱- انعام، ۱۲۴

۲- آل عمران، ۳۴

۳- عبدالله بن نورالله بحرانی اصفهانی. عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد)، ج ۱۱- قسم ۱، ص: ۳۵۳

۴- الشوری، آیه ۹

ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند: همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.

پس ولایت بندگان صالح خداوند از جانب خداوند است. از طرف دیگر پیامبر گرامی اسلام بارها و بارها این بندگان صالح خدا که دارای ولایت هستند را معرفی می نماید و اطاعت خداوند را متوقف بر اطاعت این انوار درخشان اعلام می دارد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَقُولُ أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِكَ سَادَةُ أُمَّتِي مَنْ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَنَا فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَ مَنْ وَالَانَا فَقَدْ وَالَى اللَّهَ وَ مَنْ عَادَانَا فَقَدْ عَادَى اللَّهَ وَ مَنْ أَطَاعَنَا فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَانَا فَقَدْ عَصَى اللَّهَ. (۲)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم می فرمود: من سید اولاد آدمم و ای علی تو و امامان بعد از تو سادات امت من هستید. هر که ما را دوست بدارد خدا را دوست داشته و هر که ما را دشمن بدارد خدا را دشمن داشته و هر که به ولایت ما باشد به ولایت خداست و هر که دشمن ماست دشمن خداست و هر که فرمان ما برد خدا را فرمان برده و هر که نافرمانی ما کند خدا را نافرمانی کرده.

این ولایت آن قدر برای خداوند متعال اهمیت دارد که یکی از ارکان اسلام معرفی شده است.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَ الزَّكَاةِ، وَ الْحَجِّ، وَ الصَّوْمِ، وَ الْوَلَايَةِ؛ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ، فَأَخَذَ النَّاسُ

ص: ۱۵

۱- المائدة، آیه ۵۵

۲- محمد بن علی بن بابویه، الأموال (للصدوق)، النص، ص: ۴۷۶

امام باقر (علیه السلام) فرمود: اسلام روی پنج پایه نهاده شده: نماز و زکات و روزه و حج و ولایت. و به چیزی مانند ولایت فریاد زده نشد، مردم آن چهار را گرفتند و این (یعنی ولایت) را رها کردند. (۲)

با این تفصیل برای ما بسیار قابل تأمل است که حضرت زهرا (سلام الله علیها) با آن رفعت مقام و مرتبه که پیامبر بارها زبان به مدح آن حضرت گشوده و در شأن آن بانوی بزرگوار تعابیری مانند مُهَجَّتِي (۳) (خون قلب من) و نُورٌ عَيْنِي (نور چشم من) و ثَمَرَةٌ فُؤَادِي (میوه دل من) و رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنَبِي (روح من که درون من است) (۴)،

فرموده اند باز هم می بینیم که آن شفیعه محشر در مقابل پدر عظیم الشان و شوهر والا مقامشان که ولی خدا بودند، با تواضع کامل برخورد کرده و فرامین آن بزرگواران را به طور کامل اجرا می نمودند. (۵)

لذا می بینیم که حضرت زهرا (سلام الله علیها) در ماجرای غصب فدک و خطبه ای که ایراد فرمودند کاملاً سخنان و رهنمودهای علی (علیه السلام) را به اجرا گذاشتند و حتی استدلال های آن بانوی بزرگوار برگرفته از سخنان امام علی (علیه السلام) بود. (۶)

همچنین مشاهده می کنیم که جریان نهضت گریه آن حضرت با حمایت و هدایت امیرمؤمنان صورت می گیرد و بعد از

ص: ۱۶

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ص: ۵۳

۲- سید جواد مصطفوی، أصول الکافی / ترجمه مصطفوی، ج ۳، ص: ۳۰

۳- محمد بن حسن شیخ حر عاملی، إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، ج ۲، ص: ۹۸

۴- محمد بن علی بن بابویه، الأمالی (للصدوق)، النص، ص: ۱۱۳

۵- لازم به ذکر است که در تعابیری که پیامبر اسلام به کار می برند هیچ گونه غلوی نیست و پیامبر این کلمات را از روی احساسات نفرموده اند زیرا خداوند حکیم می فرماید: وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى، إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى و از سر هوس سخن نمی گوید. این سخن به جز وحیی که وحی می شود نیست.

۶- محمد بن محمد مفید، الإختصاص، النص، ص: ۱۸۳

اعتراض مردم مدینه، حضرت زهرا (سلام الله علیها) با تأیید امام خویش به این نهضت ادامه می دهد. (۱) ولایتمداری

حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) به حدی بود که حتی پس از تصمیم بر نفرین، با درخواست امام علی (علیه السلام) از این تصمیم منصرف می شود (۲) و این گونه به همگان نشان می دهد که حتی با آن همه صدمات برای نفرین نمودن نیز باید از ولّی امر تبعیت نمود.

همچنین حضرت فاطمه (سلام الله علیها) با همراهی امیرالمؤمنین در رفتن به درب خانه انصار و یاری طلبی از آنها به وضوح نشان دادند که حتی در انجام فعالیت های تبلیغاتی نیز باید در جهت رهنمودهای ولی امر و با هماهنگی او عمل نمود و از تنهایی در

این مسیر نباید هراسی به دل راه داد بلکه با انجام وظایف و به کار بردن تمام توان خویش و تلاش در ایجاد ابتکار عمل، باید تا پای جان در این مسیر استقامت نمود. بدین صورت است که ولایتمداری حقیقی انجام می پذیرد.

درس دیگری که آن بانوی مظلومه به امت اسلامی می آموزد این است که همواره باید خود را با مسیر حق و راه ولایت بسنجیم و تأیید صحت تلاش ها و انجام درست وظایف را از ولّی امر خویش بگیریم لذا می بینیم که حضرت زهرا (سلام الله علیها) حتی در هنگام شهادت با همه زحماتی که برای امام زمان خویش کشیده است باز هم به دنبال مهر تأیید امام خویش بر اعمال و رفتار خود می باشد لذا این گونه با ولّی امر خویش سخن می گوید:

پسر عمو! آیا در این مدّتی که تو با من معاشرت داشتی، دروغ و خیانت

ص: ۱۷

۱- محمد روحانی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۶۰۹

۲- محمد بن محمد مفید، الإختصاص، النص، ص: ۱۸۶

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: ابدأ!! به خداوند پناه می برم! تو به وجود خداوند داناتری و نیکوکارتر و پرهیزکارتر و گرامی تر و از خدا خائف تر از آنی که من تو را به علت مخالفت کردن سرزنش نمایم. (۱)

از این پاسخ امام علی (علیه السلام) معلوم می شود که حضرت زهرا (سلام الله علیها) در همه شئون زندگی، چه در باب زندگی شخصی یعنی اطاعت از شوهر و چه در زمینه مسائل اجتماعی یعنی تبعیت از مقام ولایت، همواره تابع و یاور امیرالمؤمنین (علیه السلام) بوده است و بعد از این تلاش بی وقفه آن بانوی مکرمه مهر تأیید بر ولایتمداری خود را از امام زمانش می گیرد.

و امروز که در عصر غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سر می بریم ما نیز آزمون پذیرش ولایت را پیش روی خویش می بینیم؛ که اگر این آزمون دشواری که از مسلمانان صدر اسلام گرفته شد از ما گرفته نشود عدالت در آزمون های الهی برقرار نشده است فلذا یقیناً این آزمون برای ما نیز وجود دارد اما در شکلی دیگر و با ظاهری جدید.

در زمان صدر اسلام مسلمین آن زمان از آزمون ولایتمداری سربلند بیرون نیامدند و سخن پیامبر را نادیده گرفتند و با اینکه حضرت زهرا (سلام الله علیها) نمونه ای کامل از ولایتمداری را به نمایش گذاشتند باز هم امام خویش را تنها گذاشتند. و اینک پس از هزار و چهارصد و اندی سال ما در برابر این آزمون بزرگ قرار داریم که آیا کلام امامان معصوم (علیهم السلام) را بپذیریم و یا از پذیرش آن سرپیچی کنیم. آن جا که فرمودند:

فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا، فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ، فَإِنَّمَا اسْتِخَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدٌّ، وَ الرَّأدُّ عَلَيْنَا الرَّأدُّ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ

ص: ۱۸

آری! آزمون بزرگ ولایتمداری ما تبعیت از فقیه جامع الشرائطی است که مدبرانه زمام امور را به دست گرفته است و با پیروی از بانوی گرامی اسلام عَلم مبارزه با کفر و نفاق را در اهتزاز نگه داشته است. لذا وظیفه هر شیعه ولایتمدار، پیروی از ولایت فقیه است تا با تأسی به حضرت زهرا (سلام الله علیها) با سکوت ولیّ زمان خویش، سکوت و با فریاد او فریاد سر دهد.

پرورش احساس

هر گاه رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) از سفری بازمی گشت، اولین کسی را که دیدار می نمود، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بود، پس در آن هنگام به مدتی طولانی در نزد او توقّف می کرد.

در یکی از این سفرها که پیامبر از مدینه خارج شده بود، حضرت فاطمه (سلام الله علیها) دو خلخال از نقره، یک گردن بند، دو گوشواره و پرده ای خریداری نمود تا در بازگشت پدر و شوهرش از سفر، تنوعی برای ایشان باشد.

هنگامی که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) از مسافرت بازگشت، مثل همیشه اوّل به خانه حضرت فاطمه (سلام الله علیها) رفت، اصحاب پیامبر همچنان بر در خانه فاطمه (سلام الله علیها) ایستاده بودند و چون از مدّت مکث پیامبر در نزد دخترش اطلاع نداشتند نمی دانستند که آیا باید توقّف کنند یا برگردند، ولی هنوز، مدّت زیادی سپری نشده بود که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) از خانه حضرت فاطمه (سلام الله علیها) خارج شد در حالی که آثار غضب در چهره ایشان کاملاً

ص: ۱۹

مشهود و قابل تشخیص بود، و در همان حال به سوی منبر (مسجد) رفته در کنار آن بر زمین نشست.

هنگامی که پیامبر با غضب از خانه دخترش خارج شد، حضرت فاطمه (سلام الله علیها) دریافت که خشم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به سبب مشاهده خلخال‌ها، گوشواره، گردن بند و آن پرده بوده است، لذا به سرعت آنها را جمع آوری نمود و به حضور پدرش فرستاد، و به کسی که آنها را می برد فرمود: سلام مرا به پدرم برسان و بگو که اینها را در راه خدا به مصرف برساند. وقتی که آن شخص نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و پیغام حضرت فاطمه (سلام الله علیها) را به او رسانیده و بسته محتوی آن وسایل را به ایشان داد، پیامبر سه مرتبه فرمود: پدرش به فدایش باد، و فرمود: دنیا در نزد محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم) ارزشی ندارد، چرا که اگر دنیا به اندازه بال یک پشه ارزش داشت، همانا ذره ای از آن را نصیب کافر نمی نمود و پس از این سخن برخاست و به نزد دخترش فاطمه (سلام الله علیها) رفت. (۱)

رفتار سازی

عیسی بن عبد الله قمی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که آن جناب فرمود:

هنگامی که خبر خزاعه و قریش در شام به ابوسفیان رسید، وی بلافاصله خدمت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید و عرض کرد: یا محمد! خون خویشاوندان خود را حفظ کن، و مدت معاهده را زیاد نما. حضرت فرمود: یا اباسفیان: شما با ما مکر می کنید. عرض کرد: ما با شما مکاری نداریم و به قرارداد خود عمل می کنیم.

ص: ۲۰

پس از این ابوسفیان نزد ابوبکر رفت و گفت: به قریش پناه دهید، ابوبکر گفت: وای بر تو! کسی می تواند در برابر حضرت رسول به مشرکین قریش پناه دهد و از آنان طرفداری کند؟! ابوسفیان بعد از این نزد عمر رفت و این گفته ها را برای او هم گفت، پس از این به منزل خواهرش امّ حبیبه رفت و هنگامی که اراده کرد روی فرش بنشیند امّ حبیبه فرش ها را جمع کرد تا ابوسفیان روی آن جلوس نکند.

ابوسفیان گفت: ای دخترک من، میل نداری من روی این فرش بنشینم؟

گفت: آری، این فرش پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و چون شما مشرک و پلید هستی نمی توانی روی بساط حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) جلوس کنی. ابوسفیان از منزل دخترش هم بیرون شد و به منزل فاطمه (سلام الله علیها) رفت، و گفت: ای دختر پیغمبر، قریش را پناه می دهی و به مدت معاهده می افزائی، تا از گرامی ترین زنان باشی؟

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: کسی را که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پناه دهد وی در پناه من خواهد بود، گفت: پس به فرزندان امر کن تا آنان مردم را در پناه خود بگیرند، فرمود: فرزندان من قریش را نمی شناسند تا آنها را در پناه خود بگیرند. ابوسفیان از نزد حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نومید برگشت. (۱)

آری! کسی را که ولی خدا پناه ندهد، انسان ولایتمدار نیز پناه نمی دهد و از مولای خویش سبقت نمی گیرد تا دشمنان خدا بفهمند که هیچ پناهگاهی جز خداوند و اولیاء او و دین اسلام ندارند.

ص: ۲۱

شاید بتوان گفت که اوج ولایتمداری یک فرد در زمانی معلوم می‌گردد که ولی خدا تنها مانده باشد و نیاز به یاری و کمک داشته باشد. حضرت زهرا (سلام الله علیها) در این چنین زمانی به یاری امام زمان خود یعنی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) شتافت و تمام تلاش خود را برای یاری آن حضرت به کار بست و در این مسیر لطمه های زیادی بر ایشان وارد شد.

اما اوج این ولایتمداری در زمانی اتفاق افتاد که فاطمه (سلام الله علیها) می‌خواهد از علی (علیه السلام) در مسجد دفاع کند. در روایت وارد شده است: زمانی که به درب خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها) آمدند، عمر لگدی بر درب خانه زد و آن را شکست.

فَدَخَلُوا عَلَيَّ عَلِيٍّ (علیه السلام) وَ أَخْرَجُوهُ مُلْتَبَا

سپس به درون خانه ریختند و گریبان علی (علیه السلام) را گرفتند و به سوی مسجد کشیدند.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) از خانه خارج شد و فرمود: ای عمر و ای ابابکر! آیا می‌خواهید شوهر مرا بکشید؟ به خدا اگر او را رها نکنید موهام را پریشان می‌کنم و گریبان چاک می‌زنم و حتماً بر سر قبر پدرم می‌روم و به درگاه خدا ناله می‌کنم. پس حضرت زهرا (سلام الله علیها) دست امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) را گرفت و به سوی قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به راه افتاد.

پس امام علی (علیه السلام) به سلمان فرمود: ای سلمان! دختر پیامبر را دریاب. من می‌بینم که دو طرف مدینه زیر و رو می‌شود. به خدا اگر این کار را بکند زمین، شهر مدینه را با اهلش می‌بلعد.

لذا سلمان خود را به فاطمه (سلام الله علیها) رساند و گفت: ای دختر پیغمبر! خدا پدرت را از رحمتش مبعوث کرد. منصرف شو.

فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: دیگر صبر ندارم. بگذار تا سر قیر پدرم بروم.

در این هنگام سلمان گفت: علی (علیه السلام) مرا به سوی تو فرستاد و تو را امر کرد که بازگردی.

فَقَالَتْ أَسْمَعُ لَهُ وَ أُطِيعُ فَرَجَعَتْ.

در اینجا فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: به حرف او گوش می دهم و اطاعت می کنم؛ سپس بازگشت. (۱)

شهر آبستن غم هاست خدا رحم کند

شهر این بار چه غوغاست خدا رحم کند

بوی دود است که پیچیده، کجا می سوزد؟

نکند خانه ی مولاست خدا رحم کند

همه ی شهر به این سمت سرازیر شدند

در میان کوچه دعواست خدا رحم کند

هیزم آورده که آتش بزنند این در را

پشت در حضرت زهراست خدا رحم کند

همه جمعند و موافق که علی را ببرند

و علی یکه و تنهاست خدا رحم کند

بین این قوم که از بغض لبالب هستند

قنفذ و مغیره پیدااست خدا رحم کند

مادر افتاد و پسر رفت زدست ، درد این است

چشم زینب به تماشاست خدا رحم کند

مو پریشان کند و دست به نفرین ببرد

در زمین زلزله برپاست خدا رحم کند

١- محمد بن محمد مفيد، الإختصاص، النص، ص: ١٨٦

ماجرا کاش همان روز به آخر می شد

تازه آغاز بلاهاست خدا رحم کند

غزلم سوخت دلم سوخت دل آقا سوخت

روضه ی ام اییهاست خدا رحم کند

ص: ۲۴

شب دوم : استقامت تاريخى حضرت زهرا سلام الله عليها

اشاره

ص: ۲۵

قبل از هجرت نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و زمانی که ایشان در مکه و میان مشرکین حضور داشتند، روزی فاطمه (سلام الله علیها) از کنار ابوجهل می گذشت که ناگهان ابوجهل نگاه تندی از روی سنگدلی به فاطمه (سلام الله علیها) کرد و چنان سیلی محکمی به صورت ایشان زد که تمام بغض و کینه ای که از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و فاطمه (سلام الله علیها) در دل داشت را با آن ضربه بر حضرت وارد کرد. حضرت زهرا (سلام الله علیها) از این سیلی کینه توزانه، به شدت دردمند شد. گویا ابوجهل به نوجوانانی که سلاح و قدرت دفاع از خودشان نداشتند، با دست کتک می زد و به همین خاطر جایگاهش در میان قریش بسیار تنزل کرده بود.

مدتی بعد، حضرت زهرا (سلام الله علیها) ابوسفیان را که رئیس و حاکم قریش بود دیدند و از آن چه که آن انسان پست ترسو یعنی ابوجهل در حق ایشان انجام داده بود شکایت کرد. در این هنگام غیرت ابوسفیان به درستی به جوش آمده و فاطمه (سلام الله علیها) را به جایی که ابوجهل نشسته بود بازگرداند و او را به شدت توبیخ کرد. در این هنگام ابوجهل سرش را پایین انداخت و

این جریان که به عنوان نمونه ذکر شد، نشان دهنده آن است که حضرت زهرا (سلام الله علیها) در مسیر حق، آن قدر استوار بوده و استقامت داشتند که حتی شخصی متکبر و ظالم مانند ابوجهل را به زانو درآورده و او را شرمنده ساخته و را به عنوان یکی از سرسخت ترین دشمنان پیامبر محکوم نمودند و این سیاست حضرت به قدر مؤثر واقع گشت که ابوجهل در میان خود مشرکین نیز مذمت شد.

اقناع اندیشه

مقاومت در مسیر حق، یکی از ویژگی های انسان مؤمن و متقی است، همان گونه که در قرآن کریم به آن اشاره شده است.

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (۲)

در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می آیند (و می گویند) «هان، بیم مدارید و غمین م باشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید.»

و پر واضح است که ماندن در مسیر حق و صراط مستقیم که به معنای تبعیت کامل از امام معصوم است، مشکل تر از یافتن آن می باشد تا آنجا که در ذیل آیه شریفه و أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا (۳) وارد شده است

يَعْنِي لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى وَلَائِهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ

ص: ۲۸

۱- اسماعیل انصاری زنجانی، الموسوعه الكبرى عن فاطمه الزهراء، ج ۲۰، ص ۲۰۵

۲- فصلت، آیه ۳۰

۳- الجن، آیه ۱۶

مِنْ وُلْدِهِ (عليهم السلام) وَقَبِلُوا طَاعَتَهُمْ فِي أَمْرِهِمْ وَنَهَيْهِمْ لَأَشْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا يَقُولُ لَأَشْرَبْنَا قُلُوبَهُمُ الْإِيمَانَ وَالطَّرِيقَهُ هِيَ الْإِيمَانُ
بِوَلَايَةِ عَلِيِّ وَالْأَوْصِيَاءِ (۱)

همان گونه که در این روایت شریفه مطرح گردیده است اعطاء ایمان از جانب خداوند و منور شدن قلب انسان به نور ایمان متوقف بر استقامت بر صراط حق که ولایت امیرمؤمنان علی علیه السلام است می باشد. لذا تنها راه رسیدن به درجات کمال و پیمودن مسیر تعالی انسان، استقامت و صبوری نمودن در مسیر حق و تبعیت از امام زمان است.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) با استقامتی بی نظیر در راه دفاع از مسیر پر نور ولایت، الگویی کامل را در تبعیت از امام زمان و استقامت در مسیر حق به همگان ارائه نمودند و در عمل به همگان آموختند که در مسیر عمل به دین خدا و آیات قرآن، در صورت لزوم حتی زندگی انسان نیز باید فدا گردد.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) همچنین با استقامت خویش در برابر انحرافات، به تمام مسلمین در پهنه تاریخ یاد دادند که نپذیرفتن ظلم و انحراف و مقابله با جریان های انحرافی وظیفه واجب یک مسلمان است و این وظیفه را خداوند بر عهده انسان گذاشته است. قرآن کریم با صدای رسا این تکلیف را اعلام می دارد و می فرماید:

«وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (۲)

و به کسانی که ستم کرده اند متمایل مشوید که آتش (دوزخ) به شما می رسد، و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود، و سرانجام یاری

ص: ۲۹

۱- محمد بن یعقوب الكلینی، الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۱، ص: ۲۲۰

۲- هود، آیه ۱۱۳

نخواهید شد.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) در مدت کوتاه عمر خویش نشان دادند که در عمل باید به این مسئولیت الهی پاسخ گفت و به همین دلیل اقدامات ابتکاری متعددی برای رسوا نمودن جریان نفاق انجام دادند تا علاوه بر انجام تکلیف الهی خویش به مؤمنین نیز چگونگی بدست گرفتن ابتکار عمل و انواع اقداماتی که در این جهت می توان انجام داد را نشان بدهند.

یکی از این اقدامات که حضرت زهرا (سلام الله علیها) برای بیداری جامعه اسلامی انجام داده و بر آن استقامت بسیار کردند گریه بر مصیبت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مظلومیت حضرت علی (علیه السلام) بود. این اقدام در زمینه نشان دادن مظلومیت حق و یادآوری بیعتی بود که خداوند و پیامبر از مردم گرفته بودند. روی دیگر این فریاد مظلومیت، نشان دادن ظلم بزرگی بود که منافقین بر دین حق و ولی خدا روا داشته بودند. این حرکت باعث افشا شدن ماهیت منافقین می گردید و ظالم بودن آن ها را نشان می داد و در نتیجه این کار، امکان ایجاد یک جریان برای مقابله با ظلم ظالمین بر پایه فطرت ظلم ناپذیر انسان فراهم آمد.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) تا حدی در این کار مؤثر، استقامت ورزیدند که سران خود فروخته و سست قبایل و منافقین احساس خطر نموده و تلاش خود را در مقابله با این حرکت به کار بستند و در ابتدا با بهانه های واهی سعی در خاموش کردن حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نمودند و زمانی که با مقاومت آن حضرت مواجه شدند حتی درختی را که آن حضرت در زیر آن گریه می کرد بریدند، ولی باز هم آن بانوی مظلومه به گریه خویش ادامه داد، تا آنکه حضرت علی (علیه السلام) اتاکی را برای آن حضرت در خارج

ص: ۳۰

بقیع بنا کرد. (۱)

گرچه آنها تلاش کردند تا اثر این اقدام را کم کنند و باعث شدند که حضرت زهرا (سلام الله علیها) به ناچار برای گریه به خارج شهر برود ولی تأثیر این اقدام نه تنها کم نشد بلکه در پهنه تاریخ نیز تأثیر این حرکت حضرت باقی ماند و تاریخ این سوال را مطرح نمود که چرا نام حضرت زهرا (سلام الله علیها)

در کنار آدم ابوالبشر که صد سال گریه کرد (۲) و یعقوب نبی

که قرآن در مورد گریه او می فرماید: «وَ اَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ» (۳)

و نیز در کنار امام سجاد (علیه السلام) که چهل سال بر مصیبت پدر بزرگوارش گریه کرد، (۴)

جزء بکائین ثبت شده است؟

حضرت زهرا (سلام الله علیها) اقدامات متعدد دیگری نیز انجام دادند از جمله اینکه با خطبه ها و سخنان خویش درباره غصب

خلافت (۵)

به صورت مستقیم و با محکوم کردن دشمن به خاطر غصب فدک (۶) به صورت غیر مستقیم سعی در رسوا نمودن منافقین داشتند. آن حضرت در خطبه ای که به خطبه فدکیه معروف شده است با غاصب نشان دادن خلیفه و اثبات عدم کفایت او به همگان اثبات می کنند که او لیاقت خلافت بر مسلمین را ندارد. آن حضرت می فرمایند:

يَا أَبَا بَكْرٍ ادَّعَيْتَ أَنَّكَ خَلِيفَةُ أَبِي وَ جَلَسْتَ مَجْلِسَهُ وَ أَنْكَ بَعَثْتَ إِلَيَّ وَ كَيْلِي فَأَخْرَجْتَهُ مِنْ فِدَاكَ وَ قَدْ تَعَلَّمُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) صَدَّقَ بِهَا عَلَيَّ

ص: ۳۱

۱- اسماعیل انصاری زنجانی، الموسوعه الكبرى عن فاطمه الزهراء، ج ۱، ص: ۱۸۹

۲- [۲] محمد بن علی بن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص: ۲۴۳

۳- سوره یوسف، آیه ۸۴

۴- جعفر بن محمد قولویه، کامل الزیارات، النص، ص: ۱۰۷

۵- خطبه فدکیه، الاختصاص، المفید، ص: ۱۸۳

۶- همان

ای ابابکر ادعا می کنی که جانشین پدر من هستی و در جای او نشسته ای در حالی که کسی را به سوی وکیل من فرستادی و وکیل مرا را از فدک اخراج کردی در حالی که تو می دانی که رسول خدا فدک را به من بخشیده است.

این گوشه ای از اقدامات آن مدافع حریم ولایت است که در تاریخ ثبت گردیده است.

و این گونه نتیجه مقاومت حضرت زهرا (سلام الله علیها) و موفقیت آن حضرت در تاریخ ثبت گردید و ما به عنوان شیعیان آن بانوی یگانه اسلام درس استقامت تا پای جان در برابر باطل و انحراف را آموختیم و انقلابی از جنس انقلاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را برپا نمودیم. آری! ما از فاطمه (سلام الله علیها) مقاومت در برابر قدرت های ظالم عالم و منافقین و منحرفین را به عنوان وظیفه دینی یاد گرفتیم و ادامه این مسیر پر نور را با الهام گرفتن از زندگانی دختر پیامبرمان با تمام توان و با به کار گرفتن تمام ظرفیت ها ادامه خواهیم داد.

پرورش احساس

حضرت زهرا (سلام الله علیها) مبارزات خویش را حتی در بستر بیماری نیز ادامه می دادند. از همین رو زمانی که عایشه دختر طلحه به عیادت آن حضرت رفت، ایشان را گریان دید؛ لذا گفت: «بَابِي أَنْتِ وَ أُمِّي، مَا اللَّذِي يُبْكِيكِ»

پدر و مادرم به فدای تو، چه چیزی تو را گریان نموده است؟ حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمودند: ای عایشه! آیا از رویداد تلخ و فاجعه باری می پرسی که گزارش تکان دهنده ی آن همه جا پراکنده شده و بال های پرندگان

بر اثر آن فروریخته و رهروان به خاطر آن از راه بازمانده اند؟ این رویداد غم باری بود که خدا آن را به آسمان بالا برد و من در زمین به اندوه و آزمایش آن گرفتار شدم.

واقعیت این است که پست ترین شخص قبیله تیم و خبیث ترین شخص قبیله عدی(۱)، پاداش پشیمانی و پیشگامی امیرمؤمنان در میدان های دانش و ایمان و عمل و جهاد قهرمانانه را به وی دادند. آنها تا جایی که توانستند کینه و دشمنی او را در دل نهان داشتند و از آشکار ساختن آن جلوگیری نمودند، اما هنگامی که نورافشانی دین کم سو شد و پیامبر امین جهان را بدرود گفت، آن دو به سرعت کینه های کور را آشکار ساخته و به شدت در کوره بداندیشی و تجاوز دمیدند و فدک را مصادره کردند.

حقیقت این است که فدک، بخشش پروردگار بلند مرتبه به آن شایسته ترین مناجات کننده با او یعنی پیامبر بود و آن حضرت آن را به من بخشید تا تأمین کننده هزینه زندگی فرزندان او و نسل من باشد و این بخشش با علم خدا و به گواهی امین وحی انجام شد.

پس اگر آن دو نفر فدک را از من گرفتند و مرا از درآمد ناچیز آن بازداشتند، من آن را در روز رستاخیز مایه تقرب به خدا قرار داده و به حساب او خواهم آورد و خورندگان و برندگان تجاوزکار فدک، آن را به زبانه های شعله ور و سوزان آتش سهمگین دوزخ خواهند یافت.(۲)

و این گونه حضرت زهرا (سلام الله علیها) منافقین و غاصبین را رسوا می نمود تا همه عالم بدانند که این مسیر به غضب الهی و دوزخ منتهی می گردد.

ص: ۳۳

۱- منظور اولی و دومی است

۲- محمد بن الحسن طوسی، الأمالی، النص، ص: ۲۰۴

ایستادن و استقامت در برابر ظلم، وظیفه هر انسان مؤمنی است؛ همان گونه که خود پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند:

«يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ [تَبَارَكَ وَ] تَعَالَى وَهَبَ لَكَ حُبَّ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ فَرَضِيَتْ بِهِمْ إِخْوَانًا وَ رَضُوا بِكَ إِمَامًا - إِلَى أَنْ قَالَ - وَ شِيعَتِكَ عَلَى مِنْهَاجِ الْحَقِّ وَ الْأَسْتِقَامَةِ لَا يَسْتَوْحِشُونَ إِلَيَّ مَنْ خَالَفَهُمْ» (۱)

حضرت زهرا (سلام الله علیها) که بهترین زنان عالم است، نیز این استقامت را در رفتار و گفتار به خوبی به ما تعلیم داده اند. آن بانوی با عظمت برای حفظ اسلام ناب، پس از مبارزات فراوان و خطبه های متعدد و مفتضح کردن غاصبین خلافت و منافقین، دست به اقدامی شگرف زد تا این مبارزه و مقاومت در مقابل ظلم در تاریخ ثبت شود و هیچ کس نتواند فریاد آن بضعه رسول را خاموش کرده و یا نادیده بگیرد.

این اقدام حضرت زهرا (سلام الله علیها) وصیتی بود که ایشان به امیرالمؤمنین (علیه السلام) نمودند و فرمودند:

مبادا احدی از این گروهی که در حق من ظلم روا داشتند و حق مرا غصب کردند، برای تشییع جنازه ام حاضر شوند!! زیرا ایشان دشمن من و دشمن رسول خدا می باشند. مبادا بگذاری احدی از آنان و پیروانشان به جنازه ام نماز بخوانند!! مرا شبانه در آن هنگام که چشم ها همه به خواب رفته باشند، دفن کن. (۲)

این کار حضرت در عمل باعث ایجاد یک سوال بزرگ برای مسلمانان در تاریخ شده است که چرا تشییع و دفن حضرت زهرا (سلام الله علیها) شبانه و

ص: ۳۴

۱- فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص: ۲۶۵

۲- محمد روحانی علی آبادی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۶۲۸

مخفیانه اتفاق افتاد. این حرکت در ادامه ی مقاومت در برابر جبهه انحراف و باطل بود که تا همین امروز نیز ادامه دارد و به هر وجدان آگاه و فطرت سالم انحراف منحرفین را نشان می دهد.

اقدام بعدی آن حضرت، اختفاء قبر ایشان است که این سوال را در ذهن ایجاد می نماید که چرا مزار پاره تن رسول خاتم آشکار نیست؟ مگر چه اتفاقی افتاده است که قبر سرور زنان بهشت مخفی است؟

این دو اقدام حضرت زهرا (سلام الله علیها) حتی در همان زمان هم اثر خود را گذاشت، چنانچه در تاریخ آمده:

«فَصَحَّ النَّاسُ وَ لَأَمْ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، وَقَالُوا: لَمْ يُخَلَّفْ نَبِيُّكُمْ فِيكُمْ إِلَّا بِنْتًا وَاحِدَةً، تَمُوتُ وَ تُدْفَنُ وَ لَمْ تَحْضُرُوا وَفَاتَهَا وَ لَأَمْ دَفْنَهَا وَ لَأَمْ الصَّلَاةَ عَلَيْهَا! بَلْ وَ لَمْ تَعْرِفُوا قَبْرَهَا!» (۱)

این دو اقدام حضرت زهرا (سلام الله علیها) آن قدر بر مردم زمان ایشان گران آمد که به دستور دومی شروع به نبش قبور ساخته شده کردند تا قبر صدیقه طاهره را پیدا نموده و بر آن نماز بخوانند و آن را دفن کنند، ولی امیرالمؤمنین (علیه السلام) مانع این کار شدند.

روضه

مقاومت در مسیر حق و استقامت در برابر انحراف و ظلم، طبعاً هزینه نیز خواهد داشت که انسان مؤمن این هزینه را می پردازد.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) در دفاع از ولایت، استقامتی تاریخی داشت؛ تا آنجا که وقتی به خانه آن جگر گوشه پیامبر حمله کردند، دفاعی جانانه از

ص: ۳۵

۱- محمد بن جریر بن رستم طبری آملی، دلائل الإمامه (ط - الحدیثه)، ص: ۱۳۶

مولای خویش نمود. زیرا در تاریخ اینگونه آمده است:

دومی درب خانه را آتش زد. وقتی در سوخت، او در را باز کرد! در همین لحظه بود که حضرت زهرا در مقابل وی قرار گرفت و فریاد زد:

پدر جان! ای رسول خدا!

«فَرَفَعَ السَّيْفَ وَ هُوَ فِي غَمْدِهِ فَوَجَّأَ بِهِ جَنْبَهَا فَصَرَخَتْ فَرَفَعَ السُّوْطَ فَضْرَبَ بِهِ ذِرَاعَهَا فَصَاحَتْ يَا أَبَتَاهُ» (۱)

او شمشیر خود را همان طور که در غلاف بود، بلند کرده و به پهلو فاطمه (علیها السلام) زد، وقتی ناله آن بانوی مظلومه بلند شد، با تازیانه به نحوی به ساق دست آن حضرت نواخت که زهرای مرضیه صیحه ای زد و پدر خود رسول خدا را به فریادرسی طلبید.

هنگامی که حضرت امیر (علیه السلام) با این منظره مواجه شد، از جای برجست و کمر بند آن ملعون را گرفته و او را از جای کند و بر زمین افکند. آن گاه بینی و گردن وی را کوبید و تصمیم گرفت که او را به قتل رساند! ولی دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به یاد آورد که به آن حضرت فرموده بود: باید صبور و شکیبا باشی، لذا فرمود: ای پسر صهباک! سوگند به حق آن خدایی که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را به مقام نبوت گرامی داشت، اگر چنین نبود که من به خاطر امر خداوند باید صبر کنم، تو می دیدی که نمی توانستی داخل خانه من شوی! و عمر پیوسته استغاثه می کرد! در این هنگام مردم به میان خانه علی ریختند و بر آن حضرت غلبه یافته و ریسمان به گردن مقدسش انداختند! فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نزدیک در آمد تا حضرت امیر (علیه السلام) را از دست آنان رها کند، ولی قنفذ آن بانوی مظلومه را هدف تازیانه قرار داد! و اثر آن تازیانه نظیر یک بازوبند به بازوی آن حضرت

ص: ۳۶

۱- سلیم بن قیس الهلالی، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص: ۸۶۴

بود تا زمانی که رحلت فرمود.

آنگاه آن بانو را به نحوی به در کوبید، که دنده و پهلویش شکست و جنین خود را که در رحم داشت سقط کرد. (۱)

از لاله زار توحید آتش زبانه می زد

گل گشته بود خاموش بلبل ترانه می زد

در گلشن ولایت یک نوشکفته گل بود

گر می گذاشت گلچین آن گل جوانه می زد

من ایستاده بودم دیدم که مادرم را

قاتل گهی به کوچه گاهی به خانه می زد

گاهی به پشت و پهلو، گاهی به دست و بازو

گاهی به چشم و صورت، گاهی به شانه می زد

گردیده بود قنفذ همدست با مغیره

او با غلاف شمشیر این تازیانه می زد

وقتی که باغ می سوخت صیاد بی مرّوت

مرغ شکسته پر را در آشیانه می زد

با چشم خویش دیدم جان دادن پدر را

از ناله ای که مادر در آستانه می زد

ص: ۳۷

شب سوم : نقش تاریخی حضرت زهرا سلام الله علیها در ثبات جامعه اسلامی

اشاره

ص: ۳۹

پس از جنگ اُحد و بازگشت مجاهدین از جنگ، زنانی از مهاجرین و انصار به سمت لشکر خارج شدند و آب و غذا بر پشت هایشان حمل می کردند و در بین آنها فاطمه (سلام الله علیها) دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. پس زمانی که پدرش را دید و بدن او را خونین یافت، او را در آغوش گرفته و خون ها را از صورت پیامبر پاک می کرد، در حالی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمود: خشم خدا بر قومی که صورت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را خون آلود کردند شدید شد. غضب خداوند بر مردی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) او را کشت شدید شد.

و علی بن ابی طالب (علیه السلام) قصد رفتن به جایگاه آب را نمود و به فاطمه (سلام الله علیها) گفت: این شمشیر را نگه دار. پس مقداری آب در گودی سپری ریخته و آورد. هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خواست از آن آب بخورد، متوجه شدند که آن آب بو بد (بوی خون) می دهد. پس فرمود: این آب بدمزه است و با آن مضمضه کردند و فاطمه با استفاده از آن خون ها را از بدن پدرش شست. (۱)

ص: ۴۱

همان گونه که داستان مذکور را به عنوان نمونه ذکر کردیم، حضرت زهرا (سلام الله علیها) همیشه با مراقبت و حمایت از رسول گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) موجبات تقویت جبهه اسلام و ثبات جامعه اسلامی را فراهم می آوردند.

توجه به این نکته لازم است که وجود حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) در جمع پرستاران و مداوا کنندگان مجروحین جبهه ی جهاد، طبعاً باعث ایجاد انگیزه و تلاش بیشتر در بین زن ها برای کمک به مجروحین و تأمین تدارکات جنگ بوده است و این عقبه مستحکم باعث دل گرمی و آرامش در بین مجاهدین می گردیده است.

اقناع اندیشه

بدیهی است که یکی از مقدماتی که برای پیشرفت و تقویت دین مداری در جامعه اسلامی لازم است، ثبات جامعه اسلامی می باشد. به همین دلیل بر مسلمین لازم است تا هر فعالیتی که باعث ثبات جامعه اسلامی می شود را با کمال جدیت دنبال کنند.

به همین دلیل قرآن کریم در سوره مبارکه عصر، خروج از زیان و خسران را منوط به همیاری مؤمنین و توصیه به حق و صبر در بین خودشان می نماید و در غیر این صورت انسان را به صورت قطعی متضرر اعلام می کند.

و نیز به همین دلیل پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

«مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (۱)

هر که صبح کند در حالی که اهمی به کار مسلمانان ندارد، پس

ص: ۴۲

۱- محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص: ۱۶۳

مسلمان نیست.

فلذا تمامی تلاش های حضرت زهرا (سلام الله علیها) در راستای کمک به مسلمین را می توان در مسیر ایجاد ثبات در جامعه دانست.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) حضوری مؤثر در اتفاقات مهم زمان خود داشتند. از جمله مواردی که آن حضرت باعث آرامش مؤمنین و مسلمانان گردید، حضور ایشان در ماجرای مباحثه با مسیحیان نجران بود که در نتیجه باعث عقب نشینی مسیحیان و استحکام و اطمینان بیشتر جامعه به حقانیت مسیر خود گردید. زیرا رؤسای مسیحیان نجران با هم مشورت کردند و گفتند که اگر محمّد با اصحاب خود آمد، پیامبر نیست، ولی اگر با خانواده اش آمد، پیامبر است زیرا او فقط در صورتی خانواده اش را می آورد که صادق باشد. (۱) حضرت زهرا (سلام الله علیها) در این واقعه باعث سرفرازی و اطمینان خاطر مسلمین به مسیر حق خویش گردیدند تا بار دیگر حجت بر مسلمانان و حتی مسیحیان تمام گردد و قوت قلبی برای مؤمنین باشد.

همچنین در همین راستا، حضرت زهرا (سلام الله علیها) برای گرفتن حق حضرت علی (علیه السلام) و مبارزه با غصب خلافت قیام نمودند، زیرا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در خطبه ای که معروف به خطبه شقشقیه است، شرایط خلافت خلفاء سه گانه را تشریح می نمایند. از این توضیحات مشخص می شود که جامعه اسلامی در زمان آن ها هیچ ثباتی نداشته است. آن حضرت با دلی پر از اندوه می فرمایند:

«شگفتا! اولی با اینکه در زمان حیاتش می خواست حکومت را واگذارد، ولی برای بعد از خود عقد خلافت را جهت فرد دیگری بست. چه سخت

ص: ۴۳

۱- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص: ۱۰۴

هر کدام به یکی از دو پستان حکومت چسبیدند! حکومت را به فضایی خشن کشانیده، و به کسی رسید که کلامش درشت، و همراهی با او دشوار، و لغزش هایش فراوان، و معذرت خواهیش زیاد بود.»(۱)

و در قسمت دیگری از این خطبه می فرمایند:

«تا سومی به حکومت رسید که برنامه ای جز انباشتن شکم و تخلیه آن نداشت، و دودمان پدری او (بنی امیه) به همراهی او برخاستند و چون شتری که گیاه تازه ی بهار را با ولع می خورد، به غارت بیت المال دست زدند، در نتیجه ی این اوضاع رشته اش پنبه شد، و اعمالش کار او را تمام ساخت، و شکم بارگی سرنگونش نمود.»(۲)

به دلیل اینکه حضرت زهرا (سلام الله علیها) این افراد و آینده جامعه اسلامی را می دانست، تمام تلاش خود را برای ایجاد حکومتی صالح و عادل به کار بست تا جامعه ای با ثبات و تکامل یافته شکل بگیرد ولی موفق نگشت.

از طرف دیگر حضرت زهرا (سلام الله علیها) به عنوان دختر پیامبر با زندگی ساده و زاهدانه ای که داشتند باعث الگو گرفتن مردم در ساده زیستی و دوری از حرص در زمان پیامبر و نیز در طول تاریخ گردیده اند. زیرا وجود نازنین پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) یکی از عوامل بی ثباتی و ناآرامی را رغبت به دنیا و عدم زهد معرفی می نمایند و می فرمایند:

الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُكثِّرُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ وَالزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْقَلْبَ وَالْبَدَنَ. (۳)

رغبت در دنیا اندوه و غم را زیاد می کند و زهد در دنیا آسایش دل و بدن را می افزاید.

ص: ۴۴

۱- محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص: ۴۸

۲- محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص: ۴۹

۳- محمد بن علی بن بابویه، الخصال، ج ۱، ص: ۷۳

فلذا زندگی حضرت زهرا (سلام الله علیها) که طبیعتاً در معرض دید مسلمانان بوده است و صحابه پیامبر زندگی ساده و زاهدانه آن حضرت را دیده و نقل نموده اند باعث اشاعه ترک حرص و زهد نسبت به دنیا در بین مسلمین می شده است و این مسئله باعث کم شدن تنش و اختلافات و ایجاد آرامش در جامعه اسلامی می گردیده است. همان طور که جناب سلمان پس از دیدن چادر حضرت زهرا (سلام الله علیها) می گریه و می گوید:

آه آه که دختران قیصر و کسری غرق ابریشم هستند و لباس دختر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) یک قطعه پشمی است که مندرس و دوازده موضع آن دوخته و وصله شده!! (۱)

فعالیت دیگر حضرت زهرا (سلام الله علیها) در جهت ایجاد ثبات در جامعه صدقات و موقوفاتی بود که غالباً آن حضرت با ایثار آن ها را در بین فقراء مسلمین تقسیم می نمود و این کار باعث کم شدن فقر در جامعه و دوری از فساد می گردید همان گونه که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا (۲)

فقر نزدیک است که به کفر بیانجامد.

همچنین فقر باعث ایجاد تشویش و اضطراب در بین مسلمانان می شود همان گونه که حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

إِنَّ الْفَقْرَ مَذَلَّةٌ لِلنَّفْسِ مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ جَالِبٌ لِلْهُمُومِ (۳)

همانا فقر باعث ذلت نفس و باعث سرگردانی عقل و جلب کننده غم ها است.

ص: ۴۵

۱- محمد جواد نجفی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ص: ۱۰۹

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ص: ۷۴۸

۳- عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۳۶۵

لذا حضرت زهرا (سلام الله علیها) از این طریق نیز باعث دور شدن غم‌ها و تشویش‌ها از جامعه مسلمین می‌شده است. همان گونه که نقل شده است :

قال زید بن علی: إن فاطمه بنت رسول الله (سلام الله علیها) تصدّقت بمالها علی بنی هاشم و بنی المطلب، و إن علیا (علیه السلام) تصدّق علیهم و أدخل معهم غیرهم. (۱)

زید بن علی می‌فرماید: حضرت زهرا (سلام الله علیها) کلیه اموال خود را به بنی هاشم و فرزندان عبدالمطلب صدقه داد. حضرت امیر هم کلیه اموال خود را به ایشان و دیگران صدقه داد.

همچنین آن بانوی یگانه لباس عروسی خویش را به فقیر داد. (۲) این صدقات آن قدر گسترده و مؤثر بود که حتی خداوند در قرآن کریم به بعضی از آن‌ها اشاره نموده و می‌فرماید:

وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مَشْكِيًّا وَ يَتِيْمًا وَ اَسِيْرًا. (۳)

در ذیل این آیه در روایتی از امام صادق (علیه السلام) وارد شده است که این آیه در شأن حضرت زهرا (سلام الله علیها) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) نازل شده است. (۴)

این گونه حضرت زهرا (سلام الله علیها) طریقه ایجاد آرامش در جامعه را برای ما به یادگار گذاشته‌اند تا مؤمنین و خیرخواهان با عمل به این تعالیم و فرامین باعث پیشرفت و تعالی جوامع اسلامی گردند و با ایجاد آرامش و ثبات در جامعه، در رشد جامعه اسلامی سهم باشند و وظیفه خود را در قبال مسلمین انجام دهند.

ص: ۴۶

۱- محمد بن جریر بن رستم طبری آملی صغیر، دلائل الإمامه (ط- الحدیثه)، ص: ۱۳۱

۲- اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، الموسوعه الکبری عن فاطمه الزهراء، ج ۱، ص: ۱۸۹

۳- الإنسان، آیه ۸

۴- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص: ۳۸

روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از نماز عصر در محراب مسجد نشسته بود و مردم اطراف او را گرفته بودند. در این حال پیرمردی از مهاجرین که لباس های کهنه به تن داشت و از شدت ضعف قدرت حفظ خود را نداشت به نزد ایشان آمد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از احوال او سوال کرد. او گفت: ای محمد! گرسنه ام، غذایی به من بده. برهنه ام، لباسی در اختیارم بگذار.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: من چیزی ندارم که به تو بدهم ولی تو را به جایی راهنمایی می کنم که خدا را بر خود مقدم می دارند! به سوی خانه فاطمه برو.

سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به بلال فرمود: برخیز و این اعرابی را به در خانه فاطمه (سلام الله علیها) ببر.

آن پیرمرد همراه بلال رفت تا به در خانه فاطمه (سلام الله علیها) رسیدند و با صدای رسا گفت: «السلام علیکم یا اهل بیت النبوه و مختلف الملائکه و مهبط جبرئیل الروح الامین بالتنزیل من عند رب العالمین».

فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: و علیک السلام، تو کیستی؟

پیرمرد جریان درخواستش و فرمایش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را مطرح کرد.

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) پوستینی را که حسن و حسین روی آن می خوابیدند به آن پیرمرد داد.

پیرمرد گفت: ای دختر محمد! من با وجود این ضعف و گرسنگی با این پوست چه کنم؟

راوی گوید: هنگامی که فاطمه (سلام الله علیها) این سخن را شنید، گردن بند خود را که فاطمه بنت حمزه - دختر عمویش - به وی هدیه کرده بود از گردن خویش باز کرده و به پیرمرد داد و گفت:

این گردن بند را بفروش، شاید خداوند مهربان بهتر از این را به تو عطا فرماید.

پیرمرد پس از آنکه گردن بند را گرفت، به سوی مسجد بازگشت و به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گفت: ای رسول خدا! این گردن بند را دخترت فاطمه (سلام الله علیها) به من بخشید و گفت: آن را بفروش، شاید خداوند بهتر از آن را نصیب تو فرماید.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با دیدن گردن بند گریه اش گرفت و گفت: چگونه خداوند به تو بهتر از آن نصیب نفرماید در حالی که فاطمه (سلام الله علیها) دختر بزرگترین پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آن را به تو عطا کرده است.

در این حال عمار برخاست و گفت: ای رسول خدا! آیا اجازه می دهی که من این گردن بند را بخرم؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: آن را خریداری کن، و الله اگر ثقلین در خریداری آن شرکت کنند، خدا هرگز آنان را به آتش دوزخ عذاب نخواهد کرد.

عمار گفت: ای پیرمرد! این گردن بند را به چه قیمتی می فروشی؟

پیرمرد گفت: به یک شکم نان و گوشت و یک برد یمانی که بدن خود را به وسیله آن بپوشانم و با آن برای خدا نماز بگذارم و یک دینار که به کمک آن به اهل و عیال خویش برسم.

عمار که سهم خود از غنائم خیبر را فروخته بود گفت: بیست دینار و دو بیست درهم، و یک بُرد یمانی، با شتری راهوار که تو را به آسانی به وطن می رساند، با یک شکم نان گندم و گوشت به تو می دهم و آن را از تو خریداری می نمایم.

پیرمرد گفت: ای مرد، تو چقدر سخاوتمندی! سپس عمار آنچه را وعده کرده بود به او داد و گردن بند را گرفت. بعد از آن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به پیر

عرب گفت: آیا سیر شدی؟ آیا بدن خود را پوشانیدی؟

پیرمرد گفت: آری، پدر و مادرم به فدای تو، من دیگر بی نیاز گردیدم.

سپس عمار گردن بند فاطمه را با مشک خوشبو نموده و آن را در میان بُردی یمانی پیچید و تحویل غلامی به نام سهیم داد و به او گفت: این را تحویل پیامبر بده، و خود آن غلام را نیز به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هدیه نمود.

آن غلام گردن بند را نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آورده و سخنان عمار را برای ایشان باز گفت، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به او گفت: من تو را با این گردن بند به فاطمه بخشیدم. سهیم به نزد فاطمه آمد و سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را برای او بیان نمود، و فاطمه (سلام الله علیها) آن گردن بند را گرفته و غلام را آزاد کرد.

غلام مذکور پس از اینکه آزاد شد، خندید. فاطمه (سلام الله علیها) گفت: ای مرد! برای چه می خندی؟

غلام گفت: عظمت برکت و خیر کثیر این گردن بند مرا خندان نموده است، زیرا گرسنه ای را سیر کرد، برهنه ای را پوشانید، فقیری را بی نیاز کرد، غلامی را آزاد نمود و در نهایت نیز به دست صاحب اصلیش بازگشت. (۱)

رفتارسازی

شیخ صدوق (رحمه الله علیه) به سه سند از اسماء بنت عمیس روایت می کند:

من نزد حضرت فاطمه بودم هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد خانه آن بانو گردید و در گردن او گردن بندی از طلا دید که حضرت علی (علیه السلام) از سهم غنائم خویش برای فاطمه خریده بود، پس پیامبر به فاطمه (سلام الله علیها) فرمود:

ای فاطمه! آیا دوست می داری که مردم بگویند فاطمه دختر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

ص: ۴۹

۱- محمد روحانی علی آبادی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۳۲۷

است ولی لباس ستمگران و زیور زورگویان را مورد استفاده قرار می دهد؟ پس فاطمه (سلام الله علیها) آن گردن بند را باز کرده و فروخت و با پول آن برده ای را خریده و آزاد نمود، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از این کردار فاطمه خوشحال گردید. (۱)

حضرت زهرا (سلام الله علیها) این گونه از زندگی خود می کاست تا مسلمین در آسایش باشند و جامعه در ثبات و آرامش باشد.

همچنین حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در تدارکات جنگ ها حضور فعال داشتند تا جایی که در جنگ خندق وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در حال کندن خندق بودند، حضرت زهرا (سلام الله علیها) برای ایشان تکه نانی می برد و وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد این تکه نان سوال می کند، حضرت زهرا (سلام الله علیها) می فرماید: من برای حسن و حسین (علیهما السلام) نان درست کردم و از آن نان قسمتی را برای شما آوردم. در اینجا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

«یا فاطمه، أما إنه أول طعام دخل جوف أییک منذ ثلاث.»

ای فاطمه بدان که این اولین غذایی است که بعد از سه روز در شکم پدرت می رود. (۲)

و این گونه زهرای اطهر (سلام الله علیها) پیامبر و مسلمین را یاری می نمود و از هیچ کوششی در جهت تقویت روحیه مسلمانان و آرامش جامعه اسلامی دریغ نمی فرمود.

روضه

ما در این محفل با اندکی از مجاهدت های حضرت زهرا (سلام الله علیها) برای

ص: ۵۰

۱- محمد روحانی علی آبادی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۲۱۸

۲- اسماعیل انصاری زنجانی، الموسوعه الکبری عن فاطمه الزهراء، ج ۸، ص: ۵۰

ایجاد ثبات و آرامش در جامعه اسلامی آشنا شدیم.

آن حضرت همواره به گونه های مختلف سعی در تکامل و پیشرفت اهداف عالی اسلام داشتند. یکی از این تلاش ها دعا کردن برای مؤمنین بود تا جایی که امام حسن (علیه السلام) نقل می کند:

در شب جمعه مادرم حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در محراب عبادت خود ایستاده و مشغول بندگی حق تعالی گردید، و پیوسته در رکوع و سجود و قیام و دعا بود تا صبح طالع شد، شنیدم که پیوسته دعا می کرد از برای مؤمنین و مؤمنات و ایشان را نام می برد، و دعا برای ایشان بسیار می کرد و از برای خود دعائی نمی کرد. پس گفتم: ای مادر چرا از برای خود دعا نکردی چنانچه از برای دیگران کردی؟ گفت: ای فرزند! اول همسایه را باید رسید و بعد خود را. (۱)

ولی افسوس که اهل مدینه قدر این بانوی دلسوز و مادر امت (۲) را ندانستند و او را تنها گذاشتند.

و این تنهایی و غربت را امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از دفن حضرت زهرا (سلام الله علیها) در جملاتی خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ابراز می نماید. حضرت می فرماید:

ای پیامبر! امانتی را که به من سپرده بودی به تو برگردانده شد، اما اندوه من همیشگی است و شب هایم را با بیداری به سر می برم تا اینکه به تو پیوندم. به زودی دخترت تو را آگاه خواهد کرد که امت تو به ستم کردن هم رأی شدند. چگونگی حال را بی پرده از او بپرس.

خداوند شاهد است که من از ترس دشمنان، دخترت تو را پنهان به خاک سپردم. آن دخترت تو که حقش را ربودند و میراث او را باز داشتند، با اینکه

ص: ۵۱

۱- محمد باقر مجلسی، جلاء العیون، ص: ۱۹۳

۲- علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال (ط - القدیمه)، ج ۲، ص: ۶۲۴

از زمان تو چندان نگذشته و نام تو هنوز کهنه نشده است. به پیشگاه تو ای رسول خدا شکایت می آورم و در اطاعت از تو تسلی خاطر و صبر و شکیبایی نیک است. (۱)

دخترم خوش آمدی جای تو در دنیا نبود

بی وجود تو صفا در گلشن عُقبا نبود

جان بابا بارها مرگ از خدا کردم طلب

بی تو جز خون جگر در دیده ی زهرا نبود

دخترم آن شب که من دست علی دادم تو را

جای پنج انگشت سیلی در رخت پیدا نبود

جان بابا نقش این سیلی گواهی می دهد

هیچکس مثل من و مثل علی تنها نبود

دخترم روزی که بر ماه رخت سیلی زدند

هر چه می پرسم بگو آیا علی آنجا نبود؟

جان بابا بود اما دست هایش بسته بود

چاره ای جز صبر بین دشمنان او را نبود

دخترم آیا حسینم دید مادر را زدند

شاهد این صحنه آیا بود زینب یا نبود؟

جان بابا لرزه بر اندامشان افتاده بود

ذکرشان جز یا رسول الله و یا اُمّا نبود

دخترم با آن همه احسان که دید اُمّت ز من

بوسه گل میخ در اجر ذوی القربی نبود

١- محمد بن الحسن الطوسي، الأمل، النص، ص: ١٠٩

جان بابا خانه پر گردید از دشمن ولی
هیچ کس جز فضا و دیوار و در با ما نبود
دخترم چون سینه مجروح تو آسیب دید
درد آن جز در درون سینه بابا نبود(۱)

ص: ۵۳

۱- حاج غلامرضا سازگار، نخل میثم

شب چهارم : هدايتگري حضرت زهرا سلام الله عليها

اشاره

ص: ۵۵

ابن شهر آشوب و قطب الدین راوندی می گویند:

روایت شده که علی (علیه السلام) مقداری جو از یک یهودی قرض کرد، یهودی مزبور گفت:

باید در ازای آن چیزی را به عنوان رهن در نزد من بگذاری. و علی (علیه السلام) چادر حضرت فاطمه (سلام الله علیها) را که از پشم بود به او داد. آن شخص چادر را گرفته و به خانه برده و در اطاقی گذاشت. به هنگام شب زن آن شخص برای انجام کاری داخل اطاق مذکور گردید و نوری را دید که اطاق را روشن کرده، فوراً از اطاق خارج شد و آنچه را دیده بود به شوهرش اطلاع داد، مرد یهودی که فراموش کرده بود چادر فاطمه (سلام الله علیها) در آن اطاق است تعجب نمود و به سرعت برخاسته داخل آن اطاق گردید و بلافاصله دریافت که آن نور از چادری ساطع می شود که علی (علیه السلام) آن را گرو گذاشته است. پس آن مرد یهودی و همسرش از خانه خارج شده و هر یک به سوی اقوام خویش شتافته و آنها را از معجزه ای که دیده بودند آگاه نمودند، و در اثر این واقعه هشتاد نفر از آنها به اسلام متمایل

ص: ۵۷

آری! وجود مقدس حضرت فاطمه (سلام الله علیها) منشأ برکات فراوان و باعث هدایت بسیاری از غیرمسلمانان به دین مبین اسلام بوده است. همچنین مسلمانان از رهنمودها و هدایتگری ایشان بهره ها برده اند که بخشی از آن در تاریخ به ثبت رسیده است. البته بخشی از این توفیقات به سبب معجزات و کرامات و بخشی نیز به سبب گفتار و رفتار ایشان واقع شده است. داستانی که ذکر شد از مواردی است که کرامات و معجزات آن بانوی عظیم الشان باعث هدایت افراد زیادی شده است.

در بخش دوم نیز می توان گفت که افراد بسیاری با سخنان و رفتار آن بانوی بزرگوار در مسیر عبودیت و بندگی خداوند قرار گرفته اند که یک نمونه از آن را خدمتتان عرض می نمایم.

در برخی کتابها نقل شده است که یکی از نوادگان امرؤالقیس (۲)

شنید که مردی در مکه و مدینه ادعای نبوت کرده است و کلامی را برای مردم می خواند که بشر از آوردن مثل آن عاجز است.

پس به سمت مدینه به راه افتاد و پرسید: چه کسی محبوب ترین مردم است در نزد مردی که ادعای نبوت کرده است؟

پس گفتند: دخترش که نامش فاطمه است. پس به خانه فاطمه آمد.

پس زمانی که به خانه فاطمه (سلام الله علیها) رسید فاطمه (سلام الله علیها) را در حال نماز یافت. پس نشست تا بشنود که در نمازش چه می خواند. پس شنید که سوره زلزال را می خواند. پس وقتی که آن حضرت از نماز فارغ شد آن زن به او

ص: ۵۸

۱- محمد روحانی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)؛ ص ۲۲۹

۲- او در زمان خود فصیح ترین شخص در بین قبیله خود بود که حضرت علی علیه السلام او را در بیانی که در حکمت ۴۵۵ نهج البلاغه دارد شاعرترین شعرا معرفی نموده اند.

گفت: چرا اشعار جد مرا همان گونه که هست نمی خوانی؟ فاطمه گفت: جد تو کیست؟ زن گفت: امرؤ القیس است و ابیات زیادی دارد و چند بیت را که شبیه آیات سوره زلزال بود خواند و گفت: اگر اشعار جد مرا می خوانی آنها را ناقص نکن و تغییر مده. پس فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: آنچه که خواندم شعر نبود بلکه کلام خداوند بود که جبرئیل امین آن را برای پدرم آورده است. پس زن گفت: بعضی از آیاتش را که مشتمل بر بلاغت و فصاحت است برایم بخوان. فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: همه قرآن در نهایت فصاحت و بلاغت است. پس زن گفت: فصیح ترین آن ها را برایم بخوان.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) این آیه را برای او خواندند:

وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱)

دختر امرؤ القیس گفت: پدرم نیز ابیاتی درباره زندگی و قصاص دارد ولی با این فصاحت و بلاغت نیست. باز هم از این کلمات برای من بخوان.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) این آیه را برای او قرائت نمودند:

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَّمَاءِ أَفْلَعِي وَ غِيضَ الْمَاءِ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ (۲)

در این هنگام او شهادتین بر زبان جاری نمود و مسلمان شد و گفت: شهادت می دهم که این کلام، کلام بشر نیست. (۳)

اقناع اندیشه

همان طور که مطرح کردیم، وجود مقدس حضرت زهرا (سلام الله علیها) سبب

ص: ۵۹

۱- البقره، آیه ۱۷۹

۲- هود، آیه ۴۴

۳- اسماعیل انصاری زنجانی، الموسوعه الکبری عن فاطمه الزهراء، ج ۲۱، ص: ۱۲۸.

هدایت بسیاری از مردم بوده است.

در اینجا این مقدمه قابل ذکر است که هدایت و ارشاد انسان ها به دو صورت انجام می پذیرد. یکی هدایت تکوینی و دیگری هدایت تشریحی. اما هدایت تکوینی هدایتی است که به امور تکوینی تعلق می گیرد، مانند اینکه خداوند هر یک از انواع مصنوعات را که آفریده، او را به سوی کمال و هدفی که برایش تعیین کرده و اعمالی که در سرشتش گذاشته راهنمایی فرموده و شخصی از اشخاص آفریده را به سوی آنچه برایش مقدر شده و نهایت و سرسیدی که برای وجودش قرار داده است به راه انداخته، چنان که می فرماید:

(رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى) (۱)

و نیز می فرماید:

(الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى) (۲)

و اما هدایت تشریحی: این هدایت مربوط است به امور تشریحی از قبیل اعتقادات حق و اعمال صالح که امر و نهی، بعث و زجر و ثواب و عقاب خداوند همه مربوط به آن است. این قسم هدایت نیز دو گونه است: یکی ارائه طریق یعنی صرف نشان دادن راه که هدایت مذکور در آیه (إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا) (۳)

از آن قبیل است. و دیگر ایصال به مطلوب یعنی دست طرف را گرفتن و به مقصدش رساندن که در آیه (وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَٰكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ) (۴)

به آن اشاره شد. (۵)

ص: ۶۰

۱- طه، آیه ۵۰.

۲- الاعلی، آیه ۲ و ۳.

۳- الإنسان، آیه ۳

۴- الأعراف، آیه ۱۷۶

۵- سید محمد باقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۴۷۷.

در مورد هدایت تشریحی نیز باید توجه داشته باشیم که در روایات متعدد وارد شده است که تنها راه هدایت به سوی خداوند، اهل بیت عصمت (سلام الله علیهم) هستند و هدایت یافتن فقط و فقط از طریق آن انوار مقدسه امکان پذیر است؛ همان گونه که در ذیل آیه (وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) (۱) وارد شده است:

عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: «أ تدرى ما يعنى بصِرَاطِي مُسْتَقِيمًا؟» قلت: لا. قال: «ولايه على و الأوصياء (عليهم السلام)» (۲)

حال که اختصاص مسیر عبودیت و هدایت به اهل بیت عصمت (سلام الله علیهم) مشخص شد شأن هدایتگری حضرت زهرا (سلام الله علیها) بیشتر مشخص می گردد. زیرا حضرت زهرا (سلام الله علیها) به فرموده قرآن کریم یکی از بزرگترین هدایتگران بشر بوده و هستند تا آنجا که خداوند در قرآن کریم می فرماید:

إِنَّهَا لَأَخَذَى الْكُبْرِ، نَذِيرًا لِلْبَشَرِ. (۳)

همانا او یکی از بزرگان است که بشر را هشدار می دهد.

و امام باقر (علیه السلام) در ذیل این آیه می فرماید:

فِي قَوْلِهِ إِنَّهَا لَأَخَذَى الْكُبْرِ - نَذِيرًا لِلْبَشَرِ قَالَ يَعْنِي فَاطِمَةَ (سلام الله علیها)

و عجیب تر آن است که در این بین که اهل بیت عصمت (علیهم السلام) تنها راه هدایت و وسیله سعادت انسان ها هستند، حضرت زهرا (سلام الله علیها) باعث هدایت امامان معصوم (علیهم السلام) نیز می گردد و هدایتگران امت را نیز به

ص: ۶۱

۱- انعام/۱۵۳

۲- سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص: ۴۹۸

۳- المدثر، آیه ۳۶

آن حضرت علاوه بر تربیت امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) به عنوان دو امام معصوم و سرور جوانان اهل بهشت، با مصحف خود وسیله هدایت امامان دیگر نیز گردیده است. همان گونه که امام صادق (علیه السلام) تاریخ ظهور زنادقه را مطرح فرمود و در ادامه فرمودند که این مطلب را از مصحف فاطمه (سلام الله علیها) می گویم. سپس در توضیح این کلامشان فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا قَبَضَ نَبِيَّهُ (صلى الله عليه و آله) دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ مِنْ وَفَاتِهِ مِنَ الْحُزْنِ مَا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَأَرْسَلَ إِلَيْهَا مَلَكًا يُسَلِّي عَنْهَا عَمَّهَا وَيُحَدِّثُهَا فَشَكَتَ ذَلِكَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَقَالَ لَهَا إِذَا أَحْسَسْتِ بِذَلِكَ فَسَمِعْتِ الصَّوْتِ فَقُولِي لِي فَأَعْلَمْتُهُ فَجَعَلَ يَكْتُبُ كُلَّمَا سَمِعَ حَتَّى أَثْبَتَ مِنْ ذَلِكَ مُضِيحًا قَالَ ثُمَّ قَالَ أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ فِيهِ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَ لَكِنْ فِيهِ عِلْمٌ مَا يَكُونُ. (۱)

زمانی که خداوند تبارک و تعالی پیامبر (صلى الله عليه و آله) را قبض روح کرد، بر فاطمه (سلام الله علیها) به سبب وفات ایشان آنقدر اندوه وارد شد که غیر از خدا هیچ کسی نمی داند. پس خداوند فرشته ای را به سوی زهرا (سلام الله علیها)

فرستاد تا او را تسلی دهد و با او صحبت کند. پس زهرا (سلام الله علیها) این مطلب را به امیرالمؤمنین (علیه السلام) گفت. علی (علیه السلام) به او فرمود: زمانی که آن را احساس کردی و صدایش را شنیدی به من بگو. حضرت زهرا (سلام الله علیها) نیز در وقتی که فرشته الهی می آمد به علی (علیه السلام) می گفت و آن حضرت نیز هر آنچه که می شنید می نوشت تا اینکه آن شنیده ها به صورت مصحفی درآمد. سپس امام صادق (علیه السلام) فرمودند: آگاه باش که در آن از حلال و حرام

ص: ۶۲

چیزی نیست، بلکه در آن علم اتفاقات آینده است.

در برخی روایات نیز وارد شده که این فرشته الهی جناب جبرئیل امین بوده است (۱).

و شگفت اینکه حتی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز که خود مهدی الأمم هستند نیز می فرمایند:

و فِي ابْنِهِ رَسُولِ اللَّهِ ص لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ. (۲)

و عجیب تر آنکه حتی سید الأوصیاء حضرت علی (علیه السلام) نیز از نور وجود حضرت زهرا (سلام الله علیها) بهره مند گردیده اند. نمونه ای از این نورافشانی دریاهاى نور را در این مجال مطرح می نمایم:

از علی (علیه السلام) روایت شد که فرمود:

ما نزد رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نشسته بودیم که آن حضرت فرمود: به من بگویید که چه چیزی برای زنان بهتر است؟

همه ما از جواب بازماندیم و متفرق شدیم، و من نزد فاطمه آمدم و آنچه را که پیامبر از ما پرسیده بود و ما نتوانسته بودیم جواب دهیم، برای او باز گفتم. فاطمه گفت: ولی من جواب این سؤال را می دانم، بهترین چیز برای زنان آن است که مردان را نبینند و مردان نیز آنان را نبینند.

علی (علیه السلام) گوید: من به نزد رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بازگشتم و به آن حضرت گفتم: ای رسول خدا! من پاسخ آن سؤال را می دانم و آن این است که بهترین چیز برای زنان آن است که مردان را نبینند و مردان نیز آنها را نبینند.

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمودند: چرا هنگامی که نزد من بودی این جواب را

ص: ۶۳

۱- محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (صلی الله علیهم)، ج ۱، ص: ۱۵۳

۲- محمد بن الحسن طوسی، الغیبه (للطوسی) / کتاب الغیبه للحجه، النص، ص: ۲۸۶

بیان نکردی، بگو بدانم چه کسی آن را به تو تعلیم داده است؟

گفتم: فاطمه (سلام الله علیها)، پس رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) از این امر تعجب کردند و گفتند: همانا فاطمه پاره ای از تن من است. (۱)

آری! آن بانوی عظیم الشان که در زمان خودش نیز تلاش وافری در جهت هدایت مردم و جامعه اسلامی مبذول داشت در طول تاریخ باعث هدایت انسان های زیادی گردید و این هدایت ها نه تنها برای عموم مسلمانان انجام شده است بلکه برای اولیاء خدا نیز بوده و باعث تقرب به خداوند و مایه هدایت بیشتر آن ها گردیده است .

و این گونه فاطمه (سلام الله علیها) باعث هدایت مسلمین و حتی اولیاء الهی می گردد و تمامی خلائق غیر از نبی مکرم اسلام از نور وجود ایشان در جهت هدایت بهره مند می شوند.

پرورش احساس

همان گونه که مطرح کردیم حضرت زهرا (سلام الله علیها) در مدت کوتاه حیات پربرکتشان همیشه در فکر هدایت دیگران به سمت مسیر حق بودند. تا آنجا که وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای اعرابی تازه مسلمان شده که از قبیله بنی سلیم بود غذا خواستند، سلمان به خانه حضرت فاطمه (سلام الله علیها) رفت و ماجرای مسلمان شدن اعرابی و درخواست پیامبر را به حضرت زهرا (سلام الله علیها) عرضه داشت. فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: ای سلمان! بحق آن خدائی که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را به پیامبری مبعوث نموده، مدت سه روز است که ما غذا نخورده ایم، حسن و حسین از شدت گرسنگی به من بهانه جوئی می کنند و اکنون ایشان نظیر دو جوجه به خواب رفته اند، ولی در عین

ص: ۶۴

۱- محمد روحانی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ص: ۳۱۹

حال موقعی که خیری بر در خانه من بیاید، آن را رد نخواهم کرد. ای سلمان! این پیراهن مرا بگیر و نزد شمعون یهودی ببر و به او بگو: فاطمه دختر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می گوید: این پیراهن را بردار و در مقابل آن یک من خرما و یک من جو به من بده تا بعداً با خواست خدا بپردازم.

سلمان آن پیراهن را گرفت و پس از اینکه نزد شمعون یهودی آمد به وی گفت: این پیراهن فاطمه (سلام الله علیها) دختر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است، فاطمه می گوید: این پیراهن را بگیر و در مقابل آن یک من خرما و یک من جو به من بده تا بعداً با خواست خدا به تو پرداخت کنم.

شمعون آن پیراهن را گرفت و در میان دو دست زیر و رو می کرد و چشمانش اشک می ریخت و می گفت:

ای سلمان! این همان زهد و تقوای واقعی است در دنیا! این همان زهدی است که تورات حضرت موسی به ما خبر داده، من اکنون شهادت می دهم که خدا یکی است و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بنده و رسول او می باشد. یهودی اسلام آورد و اسلام او بسیار نیکو شد.

سپس آن یهودی یک من خرما و یک من جو به سلمان داد، سلمان آنها را آورد و به حضرت فاطمه (سلام الله علیها) تقدیم نمود، حضرت زهرا (سلام الله علیها) آن جو را با دست خود آسیا کرد و از آرد آن نان پخت. آن گاه آن نان ها را به سلمان داد و به او فرمود: این نان ها را بگیر و به حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ببر.

در نتیجه معجزه ی پیامبر و امکاناتی که اصحاب و حضرت زهرا (سلام الله علیها) به آن عرب بنی سلیم دادند، در آن روز تعداد چهار هزار مرد که صاحبان پرچم های سبز بودند، ایمان آورده و در اطراف پیغمبر خدا گرد آمدند. (۱)

ص: ۶۵

مردی به زن خود گفت برو خدمت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) دختر رسول خدا و از او برایم سؤال کن که آیا من از شیعیان آن ها هستم یا نه؟ آن زن خدمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) آمده و سوال را پرسید. حضرت فرمودند: به شوهرت بگو اگر به آنچه ما فرمانت دادیم عمل می کنی و از آنچه تو را نهی نمودیم خودداری می کنی، تو از شیعیان ما هستی و الا نه. زن بازگشت و جریان را به شوهرش گفت. مرد تا شنید گفت: وای بر من! کیست که بتواند از گناه و لغزش جدا شود و در این صورت من در دوزخ جاوید و همیشگی هستم، زیرا با این بیان که حضرت فرموده، من شیعه آنها نیستم و هر کس شیعه اهل بیت نباشد در آتش دوزخ مغلّد است.

زن دوباره خدمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) آمد و سخن شوهرش را عرض کرد. حضرت فرمود: به او بگو چنین نیست، شیعیان ما بهترین مردم بهشت هستند و هر کس ما را دوست دارد و دوستدار دوستان ما و دشمن دشمنان ماست و با دل و زبان تسلیم ماست، اگر مخالفت دستورات ما کند از شیعیان ما نیست ولی با این وضع، آنها نیز اهل بهشت هستند. اما بعد از اینکه با ابتلاء به مصیبت های دنیا یا گرفتاری در عرصات قیامت و مشکلات گوناگون آن روز، یا رفتن در طبقه بالای دوزخ از گناهان پاک شود و وقتی پاک شد چون از دوستان ماست او را نجات می دهیم و او را به جایگاه خود منتقل می سازیم. (۱)

آری! حضرت زهرا (سلام الله علیها) بسیار دقیق جانب خوف و رجاء را رعایت می نمودند و همگان را به سمت و سوی تقوای الهی و بهره مندی از آموزه های اسلامی سوق می دادند.

ص: ۶۶

گرچه حضرت زهرا (سلام الله علیها) در مسیر تعالی جامعه اسلامی زحمات فراوانی متحمل شدند و زمینه هدایت بسیاری از مردم را فراهم نمودند، ولی مردم بی وفای مدینه حق آن حضرت را اداء نکردند و در حق آن بانوی بزرگوار ظلم نمودند.

در زیارتنامه آن شفیعه ی محشر می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّقِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَرِّدَةُ الْعَلِيمَةَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَغْضُوبَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُضْطَّهَدَةُ الْمَقْهُورَةُ» (۱)

سلام بر تو ای ذات متقی پاک گوهر، سلام بر تو ای آنکه به الهام خدا دانا بودی، سلام بر تو ای مظلومی که حق تو را غصب کردند، سلام بر تو ای ستم کشیده و مقهور دشمنان دین.

آن بانوی مظلومه تا آخرین روزهای زندگی پر برکتش از فکر هدایت مردم غافل نبود و با اینکه در بستر شهادت قرار داشت باز هم در سخنانی به زنان مدینه که به عیادت ایشان آمده بودند، پس از حمد خدا و صلوات بر پیامبر فرمود:

«وای بر این امت! چه چیز آنان را از ستون های استوار رسالت و اساس نبوت و راهنمایی؛ و مهبط فرشته وحی، و دانا به تمام امور دنیا و آخرت، گمراه ساخت؟ آگاه باشید که این انحراف خسران مبین است. چرا این گونه أبو الحسن را عقوبت کردند؟! به خدا سوگند که این مجازات (خذلان و تنها گذاردن آن حضرت) فقط به خاطر ترس از شمشیر او و کمی ملاحظه در اجرای حق، و سختی و شدت جنگ او، و شجاعت کارزار، و بی مهابا بودن او در اجرای فرامین الهی بود.» (۲)

ص: ۶۷

۱- [۱] مفاتیح الجنان، ص ۳۱۷

۲- بهراد جعفری، الإحتجاج (ترجمه الإحتجاج علی اهل اللجاج)، ج ۱، ص: ۲۴۷

آری او اینگونه نسبت به هدایت امت اسلامی غم خوار و حریص بود ولی این مردم او را تنها گذاشتند و هنگامی که درب خانه آن مظلومه می سوخت، هیچ کس از مردم مدینه به یاری آن پاره ی تن پیامبر نرفت.

بابا چه بی وفا شده دنیای بعد تو

من ماندم و مصائب عظمای بعد تو

چشم انتظار رفتن تو بود امت

شعله کشید فتنه ز فردای بعد تو

داغت برای فاطمه سنگین تمام شد

پشت مرا شکسته قضایای بعد تو

اصحاب تو چه زود به ما پشت پا زدند

آری گواه فاطمه شبهای بعد تو

دارد به قتل حجت حق حکم می کند

اجماع این سقیفه و فتوای بعد تو [\(۱\)](#)

در کوچه ها ادا شده اجر رسالت

یعنی شکست حرمت مولای بعد تو

در تنگنای این در و دیوار عاقبت

از دست رفت ام ایبهای بعد تو

آتش، هجوم، کوچه، قباله، فدک! ببین

چیزی نمانده از تن زهرای بعد تو

قنقد معاف می شود از مالیات ها! [\(۲\)](#)

سیلی به دخترت شده سرمایه بعد تو

دیگر بیر مرا که زمانش رسیده است

نه! نیست جای فاطمه دنیای بعد تو

ص: ۶۸

۱- سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص: ۸۶۸

۲- سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص: ۶۷۵

شب پنجم: بصیرت دهی حضرت زهرا سلام الله علیها

اشاره

ص: ۶۹

چون بانوی ما حضرت فاطمه (سلام الله علیها) به بستر بیماری افتاد (همان بیماری که منجر به فوت آن حضرت گشت) زنان انصار و مهاجرین برای عیادت به خدمت او رسیده و گفتند: با این بیماری چگونه شب را به صبح آوردی ای دختر پیامبر؟

حضرت زهرا (سلام الله علیها) نیز پس از حمد الهی و صلوات بر پدرش فرمود:

به خدا سوگند در حالی شب را به صبح رساندم که از دنیای شما ناراضی، و از مردان شما بیزارم. آنان را پس از امتحان دور انداختم، و پس از مشاهده نیت سوء و رفتارهای ناهنجارشان از همه آنان کناره گیری نمودم!

سپس گمراه شدن پس از هدایت را به باد انتقاد گرفته و فرمود: قبیح و زشت باد آن شکاف های شمشیر (که در جهاد راه خدا ایجاد شد)، و هر کار لهوی پس از کاری جدی، و آن سنگ خوردن ها از کفّار و آزار نیزه! و نتیجه اش این خطای در رأی و سستی نظر! چه کار بدی مرتکب شدند! که غضب الهی برای ایشان مهیّا و تا ابد در جهنّم خواهند ماند! (۱)

ص: ۷۱

البته من ایشان را به راه حق خواندم و متوجه سنگینی آن نموده و همه چیز را بر آنان ظاهر نمودم. رویشان به خاک باد! مرگ بر آنان! لعنت بر قوم ستمکار! (۱)

وای بر این امت! چه چیز آنان را از ستون های استوار رسالت و اساس نبوت و راهنمایی، و مهبط فرشته وحی، و دانا به تمام امور دنیا و آخرت، گمراه ساخت؟ آگاه باشید که این انحراف، خسران مبین است. (۲) چرا این گونه أبو الحسن را عقوبت کردند؟! به خدا سوگند که این مجازات (خذلان و تنها گذارن آن حضرت) فقط بخاطر ترس از شمشیر او و کمی ملاحظه در اجرای حق، و سختی و شدت جنگ او، و شجاعت کارزار، و بی مهابا بودن او در اجرای فرامین الهی بود، و به خدا سوگند اگر تمام امت از راه سعادت منحرف شده و از پذیرش راه روشن امتناع می کردند، علی همه آنان را به راه آورده و آرام آرام و صحیح و سالم به سعادت و خوشبختی می کشاند، که نه خود خسته شود و نه ایشان ملول، و در نهایت آنان را به سرچشمه ای با آبی گوارا و مطلوب و عاری از هر خس و خاشاک می برد، و ایشان را از آن سیراب باز می گرداند و در خفا و آشکار ایشان را نصیحت می نمود در حالی که خود آن حضرت از غنای آنها بهره نمی برد و از دنیای ایشان برای خود چیزی ذخیره نمی فرمود، مگر به اندازه شربت آبی که تشنه خود را سیراب کند و اندکی از طعام که گرسنه بدان سدّ جوع نماید، و در آن وقت زاهد از راغب و راستگو از دروغگو تمیز داده و شناخته می شد. «اگر مردم قریه ها و دهات ایمان می آوردند و پرهیزگاری می کردند،

ص: ۷۲

۱- هود، آیه ۴۴

۲- زمر، آیه ۱۵

هر آینه درهای آسمان را به رحمت و برکت بروی ایشان باز می کردیم و زمین را رخصت می دادیم تا خیر و برکات خود را برون اندازد،^(۱) و لکن چون مردم تکذیب آیات الهی کردند و به اعمال زشت پرداختند ما هم بر ایشان تنگ گرفتیم و به سب کردار قبیح و عصیان ایشان را معاقب و مأخوذ داشتیم^(۲) و کسانی که از این جماعت مرتکب ظلم و ستم شدند بزودی جزای اعمال بدشان به آنان می رسید.

آن قدر این سخنان حضرت زهرا (سلام الله علیها) تأثیرگذار بود و چنان مهاجر و انصار را به خاطر تنها گذاشتن ولایت محکوم کرد که آنان مجبور به دفاع از خود شدند و پس از شنیدن این سخنان از زبان زنان، به جانب آن حضرت شتافته و گفتند: ای بانوی زنان جهان، اگر علی بن ابی طالب پیش از آن که ما با ابوبکر بیعت کنیم و پیمان متابعت محکم کنیم؛ حاضر می شد و این سخنان می فرمود هرگز سر از طاعت او بیرون نمی کردیم!

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: از من دور شوید! پس از اتمام حجّت بر شما دیگر جایی برای عذر و بهانه شما نیست، و هیچ چیز چاره تقصیر و کوتاهی شما نکند.^(۳)

اقناع اندیشه

ایجاد بصیرت در جامعه به دو صورت امکان دارد، یا با رفتار و یا با گفتار.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) تمام توان خویش را برای ایجاد بصیرت با هر دو

ص: ۷۳

۱- اعراف، آیه ۹۶

۲- [۲] زمر، آیه ۵۱

۳- یهراد جعفری، الإحتجاج / ترجمه جعفری، ج ۱، ص: ۲۴۶

روش انجام دادند. ایشان با ایراد خطبه ها و سخنان روشنگرانه تلاش نمودند تا جامعه را از رفتن به مسیر انحراف و غرق شدن در ورطه بلا و غضب الهی نگه دارند. نمونه هایی از کلمات و خطبه های ایشان ذکر گردید و در ادامه نیز خواهد آمد.

اما در مورد تلاش رفتاری آن سیده زنان عالم نیز موارد متعددی در تاریخ ذکر گردیده است. یکی از این موارد، دفاع جانانه آن بانوی مکرمه از امام خویش در وقتی بود که علی (علیه السلام) را با زور برای بیعت به مسجد می بردند(۱).

حضرت زهرا (سلام الله علیها) با دفاع خویش از خلیفه بر حق رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به تمامی مردم مدینه و تمامی مسلمانان در طول تاریخ درس مهمی دادند و آن درس این بود که مسلمانان همان گونه که در برابر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) وظیفه دارند و باید از ایشان و

اهداف ایشان با جان و مال و آبرو دفاع کنند در برابر جانشین رسول خدا نیز همین وظایف را دارند و باید با گذشتن از جان و تحمل جراحات و لطمات از او دفاع کنند و در مسیر تحقق اهداف الهی در حمایت از ولیّ خدا گام بردارند.

مورد دیگری که آن شفیعه محشر برای ایجاد بصیرت در جامعه به کار بست این بود که به همراه علی (علیه السلام) به درب خانه مهاجر و انصار می رفت و با آنان سخن می گفت، همان طور که در تاریخ آمده است:

علی (علیه السلام) فاطمه (سلام الله علیها) را بر حماری سوار می کرد که بر روی آن عبای پشمی انداخته بود و امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) با او بودند و چهل صبح او را بر در خانه مهاجرین و انصار می برد و حضرت زهرا (سلام الله علیها) به آنان می گفت: ای گروه مهاجرین و انصار! خدا را یاری کنید. من دختر پیامبر شما هستم. شما با پیامبر در روزی که بیعت کردید، بیعت نمودید

ص: ۷۴

۱- اسماعیل انصاری زنجانی، الموسوعه الکبری عن فاطمه الزهراء، ج ۱۱، ص: ۱۳۰

آنچه را که از خود و فرزندانان دفع می کنید از پیامبر و فرزندان پیامبر نیز دفع کنید پس به بیعتان با رسول خدا عمل کنید. (۱)

این رفتار و گفتار حضرت زهرا (سلام الله علیها) نیز درس مهمی برای مدعیان مسلمانی در برداشت. زیرا آنها می دیدند که حضرت زهرا (سلام الله علیها) با حالی منقلب و جسمی مجروح به دفاع از ولایت برمی خیزد و این دفاع هم با رفتار و هم با گفتار صورت می گیرد. ضمن اینکه آن حضرت برای دفاع از امام خود، از حقوق خود به عنوان فرزند پیامبر استفاده می کنند و نقض پیمان صحابه با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را تذکر می دهد و این نکته نشان دهنده وظیفه مسلمین برای دفاع از ولایت است؛ دفاعی که با تمام امکانات مشروع حتی استفاده از حقوق شخصی فرد باید صورت پذیرد.

اما صد حیف که تاریخ گواهی می دهد که هیچ یک از انصار و مهاجرین ندای فاطمه (سلام الله علیها) را لیبک نگفتند و او را تنها گذاشتند. (۲)

یکی دیگر از تلاش هایی که صدیقه طاهره (سلام الله علیها) انجام دادند گریه کردن بود و این گریه کردن آن قدر مؤثر بود که باعث اعتراض مردم مدینه شد. (۳)

زیرا فاطمه (سلام الله علیها) مردم مدینه را با این شیون و ناله به یاد پیامبر و فرمایشات آن حضرت می انداخت و ظلمی را که در حق امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درباره غصب خلافت شد فریاد می کرد. لذا مردمی که خود را به خواب زده بودند و از پذیرش و حمایت حق سستی می کردند نمی توانستند گریه غفلت زدای آن حضرت را تحمل کنند فلذا

ص: ۷۵

۱- محمد بن محمد مفید، الإختصاص، النص، ص: ۱۸۴

۲- همان

۳- محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۳، ص: ۱۷۷

همان گونه که نفس لّوامه خود را ساکت کرده بودند سعی نمودند با اعتراض، فریاد تظلم خواهی حضرت فاطمه (سلام الله علیها) را نیز خاموش نمایند.

و این گونه بود که حضرت زهرا (سلام الله علیها) در مدت کوتاهی که بعد شهادت پدر بزرگوارشان زنده بودند، به عنوان یکی از «بگائین» در طول تاریخ ثبت شدند. ایشان از لحاظ میزان گریه، هم طراز با گریه های آدم (علیه السلام) در رانده شدن از بهشت شمرده شده است در حالی که حضرت آدم (علیه السلام) طبق روایات آن قدر گریه کرد که اشک بر روی گونه هایش مثل جای جویبار جا گذاشته بود(۱).

و نیز با حضرت یعقوب (علیه السلام) در یک ردیف قرار گرفته اند در حالی حضرت یعقوب (علیه السلام) آن قدر گریه کرد که به تعبیر قرآن چشم هایش سفید شد(۲) و نیز با امام سجاد علیه السلام که بیست یا چهل سال گریه کرد(۳).

اقدامات حضرت زهرا سلام الله علیها به همین جا ختم نشد بلکه آن نور چشم پیغمبر با سخنان متقن خویش در خطبه ای که به خطبه فدکیه معروف شده است تمامی مسلمین را به سوی تبعیت از ولایت دعوت کردند و معارف بلندی را مطرح نمودند. گرچه این تنها خطبه آن حضرت نبود بلکه ایشان در هر موقعیتی تلاش خویش را در جهت بیداری جامعه به کار می بستند.

البته از این مسئله نباید غفلت نمود که فاطمه ای که همیشه از مواجهه با نامحرم و مردان اجنبی اجتناب می کند و از اینکه در تقسیم کارها با امیرالمؤمنین (علیه السلام)، فعالیت در خانه قسمت او می شود بسیار خوشحال

ص: ۷۶

۱- محمد بن حسن شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص: ۲۸۱

۲- یوسف، آیه ۸۴

۳- محمد بن حسن شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص: ۲۸۱

می گردد همین فاطمه (سلام الله علیها) برای مقابله با انحراف و نفاق در برابر دشمن قد علم می کند البته در کمال پوشش؛ و این درسی برای خواهران و دختران ماست که این بصیرت فاطمی را درک کنند که در جایی که حضور یک بانوی مؤمن انقلابی ضرورت می یابد با اقتداء به فاطمه (سلام الله علیها) در نهایت حجاب و عفت در جامعه حضور پیدا نماید همان گونه که در تاریخ نقل شده است که:

أَنَّهُ لَمَّا أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ عَلَى مَنَعِ فَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا فَدَكَأَ وَبَلَغَهَا ذَلِكَ لَأَنَّ خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَاشْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا وَاقْبَلَتْ فِي لَمَمٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَنِسَاءِ قَوْمِهَا. (۱)

چون ابو بکر و عمر فاطمه بنت خیر البشر را از تصرف ضیاع فدک منع نمود و این خبر ظلم اثر به آن بضعه پیغمبر رسید مقنعه بر تارک مبارک انداخت و چادر خود را کساء بدن اطهر خویش ساخته با جمعی از خدمتکاران و عورات بنی هاشم و احماد ایشان متوجه مسجد پیغمبر گردید.

از این عبارت مشخص می شود که حضرت زهرا (سلام الله علیها) با سه پوشش که یکی مقنعه و دیگری چادر و سومی حلقه ای از زنان بنی هاشم بود به سمت مسجد روانه گردید و در مسجد نیز از پشت پرده شروع به ایراد کلام فرمود. این نحوه رفتار نیز نشان دهنده شیوه ای است که برای ایجاد بصیرت در جامعه باید به کار گرفته شود که همگی باید شیوه هایی مشروع باشند. به عبارت دیگر این رفتار حضرت زهرا (سلام الله علیها) تعبیر عملی از این سخن معروف است که هدف وسیله را توجیه نمی کند.

و بدین شکل فاطمه (سلام الله علیها) الگویی را برای همه مؤمنین که به دنبال ایجاد

ص: ۷۷

بصیرت هستند در همیشه تاریخ ایجاد نمودند و فریاد تظلم خواهی و دفاع از ولایت را با ارائه الگویی کامل و فاخر در تاریخ ماندگار کردند.

پرورش احساس

چون ابوبکر و عمر، فاطمه (سلام الله علیها) را از تصرّف فدک منع نمودند و این خبر به آن بضعه پیغمبر رسید، به واسطه اتمام حجت بر امت در باب طلب حقّ خود که حضرت سید البریه (صلی الله علیه و آله و سلم) در ایام حیات خویش به ایشان بخشیده بود، مقنعه بر تارک مبارک انداخت و جلباب خود را کساء بدن اطهر خویش ساخته با جمعی از خدمتکاران و زنان بنی هاشم متوجه مسجد پیغمبر گردید و مانند رسول مختار با کمال طمأنینه و وقار راه می رفت و چون به مسجد رسید و ابوبکر با عمر و جمعی از أنصار و مهاجر و غیر آنان حاضر بودند، حضرت فاطمه (سلام الله علیها) چادر بر پیش روی خویش حایل گردانیده بنشست.

پس آن گاه ناله و آه برکشید به نوعی که تمامی قوم شروع در گریه و زاری نمودند و از ناله آن حضرت به غایت مضطرب گشتند و پس از اینکه مردم از گریستن قرار گرفتند افتتاح کلام به حمد ایزد علّام نموده و شروع در صلوات سید البریات (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود و باز مردم شروع در گریه و بکاء نمودند. حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نیز اندک زمانی صبر کرد؛ چون قوم از گریه ساکت گشتند پس از ایراد سخنانی در مورد خویش و یادآوری رشادت های علی (علیه السلام)، روی به صحابه فرمود و گفت:

اکنون که خدای تعالی پیامبر خود را به سرای انبیاء و برگزیدگان خود نقل مکان فرمود؛ میانتان کینه های باطنی ظاهر گشت و جامه دین کهنه و بی رونق شد، و گمراه بی زبان به سخن آمد و فرد بی نام و نشان

معروف گشت، و سرکرده اهل باطل صدای زشت خویش بلند نمود، و قدم به ساحت شما نهاد، و شیطان با نیرنگ و فریب شما را تحریک کرد و پاسخ مثبت شنید و شما را فریب خورده دید و برای اوامر خود آماده به خدمت یافت، و شما را به خشم آورد و به هدف خود رسید، و شما اعتدال عمل را از دست داده و گمراه شدید.

الحال زمانی نگذشته، دامنه جراحی گسترش یافته و گویی ناعلاج شده، و هنوز جسم شریف پیامبر در قبر مستقر نشده بود که حریصانه آشوب کردید و اعمال خود را جلوگیر از فتنه می پنداشتید، بدانید که این مردم هنگام امتحان باختند و جایگاه مردم کافر جهنم است؛ این اعمال از شما به دور است و جای چه عجب است، و چگونه دروغ می گوئید؟ در حالی که کتاب خدا در میان شما است، قرآنی که ظاهر و احکامش روشن و حقایق آن آشکار و نواهی آن واضح و اوامرش صریح است، آیا کلام خدا را پشت سر انداختید؟ یا از آن اعراض کرده اید؟ چه تبدیل بدی کردند ستمگران، و هر کس جز اسلام را پیروی کند از او پذیرفته نخواهد شد و در سرای آخرت از زیانکاران خواهد گشت. سپس آن قدر صبر نکردید که بحران و جوش این مصیبت فروکش کند و خروش آن آرام گیرد، و بلافاصله اقدام به دامن زدن و افروختن آتش کردید، و شراره های فساد مردم را شعله ور ساختید، و دعوت شیطان را اجابت نموده و گمراه شدید، و انوار دین مبین حق را خاموش، و احکام و سنت های رسول خدا را ترک نمودید. شما به بهانه های واهی اهداف شوم خود را به اجرا گذاشته و در واقع به اهل بیت پیامبر خیانت و ستم نموده و هر چه خواستید کردید، و ما در مقابل شما صبر می کنیم، همچون صبر در برابر تیزی و برش کارد و طعنه نیزه ها، و حال شما می پندارید که

مرا هیچ ارثی نیست. مگر از احکام جاهلیت پیروی می کنید؟ (۱)

رفتار سازی

انسان برای بصیرت دادن به جامعه و ایجاد آگاهی در بین مؤمنین لازم است که از ابزارهای مشروع استفاده نماید تا حق را آشکار سازد. در اینجا نحوه برخورد حضرت زهرا (سلام الله علیها) برای دفاع از حق خویش و نشان دادن چهره واقعی دشمن را ذکر می نمایم.

زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رفت و ابوبکر به جای پیغمبر نشست، وکیل فاطمه (سلام الله علیها) را از فدک اخراج کرد.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) به نزد ابوبکر آمد و گفت: ای ابوبکر! ادعای خلافت پیامبر را داری و به جای او نشستی در حالی که وکیل مرا از فدک اخراج کردی و حال آنکه تو می دانی که پیامبر فدک را به من هدیه داد و من شهودی بر این مطلب دارم.

ابوبکر گفت: پیامبر چیزی به ارث نمی گذارد.

پس فاطمه (سلام الله علیها) به نزد علی (علیه السلام) برگشت و ماجرا را توضیح داد.

امام علی (علیه السلام) فرمود: به او بگو چگونه پیامبر چیزی به ارث نمی گذارد در حالی که قرآن می فرماید: «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» (۲) و در حالی که یحیی از زکریا ارث برد. پس چرا من از پدرم ارث نبرم؟

وقتی حضرت زهرا (سلام الله علیها) این پاسخ را به ابوبکر داد ابوبکر گفت: تو را تعلیم داده اند.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) هم فرمود اگر کسی به من تعلیم داده آن شخص

ص: ۸۰

۱- احمد غفاری مازندرانی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۲، ص: ۲۷

۲- سوره نمل، آیه ۱۶

پسر عمویم و شوهرم بوده است.

سپس ابوبکر گفت: عایشه و عمر شهادت می دهند که از پیامبر شنیده اند که فرموده است که پیامبر چیزی به ارث نمی گذارد.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمود: این اولین شهادت دروغ و ناحقی است که آنها در مورد اسلام داده اند.

سپس حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمود: من بر این که پیامبر فدک را به من هدیه داده است یئنه دارم.

ابوبکر گفت: یئنه ات را بیاور.

سپس حضرت زهرا (سلام الله علیها) جناب ام ایمن و حضرت علی (علیه السلام) را به عنوان شاهد آورد.

ابوبکر به جناب ام ایمن گفت: آیا تو آنچه را که فاطمه (سلام الله علیها) می گوید از پیامبر شنیده ای؟

سپس علی (علیه السلام) و جناب ام ایمن گفتند: ما از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدیم که فرمود فاطمه (سلام الله علیها) سرور زنان بهشت است.

سپس ام ایمن گفت: آیا سرور زنان اهل بهشت چیزی را که مال خودش نیست ادعا می کند؟ و من زنی از اهل بهشت هستم و آنچه را که از خود پیامبر شنیدم نقل می کنم.

ابوبکر گفت: این داستان ها را رها کن. به چه چیزی شهادت می دهی؟

جناب ام ایمن گفت: روزی در خانه فاطمه (سلام الله علیها) نشسته بودیم و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز نشسته بود تا اینکه جبرئیل بر پیامبر نازل شد و گفت ای محمد برخیز. خداوند به من دستور داده که محدوده فدک را با بال های خودم علامت گذاری کنم.

پس من در آنجا ماندم تا اینکه پیامبر بازگشت.

پس فاطمه (سلام الله علیها) گفت: ای پدر کجا رفتی؟

پیامبر فرمود: جبرئیل محدوده فدک را معین کرد.

سپس فاطمه (سلام الله علیها) گفت: ای پدر! من از فقر و تنگدستی بعد از تو می ترسم. فدک را به من صدقه بده.

پس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: فدک مال تو باشد.

سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رو به من و علی (علیه السلام) کرد و فرمود: شما دو نفر شاهد باشید.

در این هنگام ابوبکر گفت: تو زن هستی و شهادت یک زن به تنهایی کفایت نمی کند و علی (علیه السلام) هم به نفع خودش شهادت می دهد. (۱)

روضه

آری فاطمه اطهر (سلام الله علیها) تمام تلاش خویش را برای کمک به جامعه اسلامی به کار بست.

بر طبق نقلی پس از خطبه و شهادت شهود، حضرت زهرا (سلام الله علیها) اولین پیروزی خود را به دست آورد و به همگان نشان داد که حق با اوست و عمر و ابوبکر ظالم هستند و دست نوشته ای از ابوبکر برای در اختیار داشتن فدک گرفت ولی مصیبتی در اینجا رخ داد. در روایت دارد که فرمود:

فَلَقِيهَا عُمَرُ فَقَالَ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ مَا هَذَا الْكِتَابُ الَّذِي مَعَكَ فَقَالَتْ كِتَابٌ كَتَبَ لِي أَبُو بَكْرٍ بِرَدِّ فِدْكَ فَقَالَ هَلُمِّي إِلَيَّ فَأَبَتْ أَنْ تَدْفَعَهُ إِلَيْهِ فَرَفَسَهَا بِرِجْلِهِ وَكَانَتْ حَامِلَةً بِابْنِ اسْمِهِ الْمُحْسِنُ فَأَسْقَطَتِ الْمُحْسِنَ مِنْ بَطْنِهَا

ص: ۸۲

ثُمَّ لَطَمَهَا فَكَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى قُرْطٍ فِي أُذُنِهَا حِينَ نُقِفْتُ ثُمَّ أَخَذَ الْكِتَابَ فَخَرَقَهُ (۱)

پس عمر ایشان را دید و گفت: ای دختر محمد این نوشته که همراه توست چیست؟ حضرت فرمودند: این نوشته ایست که ابوبکر آن را در مورد بازگرداندن فدک برای من نوشته است. پس عمر گفت: آن را به من بده؛ پس حضرت امتناع فرمودند؛ پس در حالیکه ایشان به فرزندى به نام محسن باردار بودند، عمر با لگد به ایشان زده، پس محسن از شکم ایشان سقط شد. سپس سیلی به صورت ایشان زد. چنین است که انگار من وقتی را که گوشواره از گوش ایشان افتاد، می بینم. سپس نوشته را گرفته و پاره کرد.

شد فدک، بعد از پیمبر، کفر و ایمان را محک

کرد رسوا خویشان را دشمن از غضب فدک

فاطمه، لطف خفی، روح نبی، جان علی است

آنکه ذکر خیر او باشد همه ورد ملک

عالم از ام ایها نور هستی چون گرفت

دارد او بر گردن خلق جهان حق نمک

حضرت صدیقه اطهر، نمی گوید خلاف

کذب قول آن منافق هم، ندارد هیچ شک

صحبت از ارث و وراثت، خود کمال ابلهی است

پیش بانویی که مهر او سما است و سمک

از نبی گیرم، نماند ارث بر فرض محال

حق ذی القربای پیغمبر، نبود از ما ترک

ص: ۸۳

مردکی، مردم فریبی، با ریایی، بی حیا
آن که اندر مکتب شیطان بود شاگرد یک
شد سراپا مست دنیا، زد به عقبی پشت پا
نام خود در لوح اعدای محمد کرد حک
با دروغ و ظلم بهتان بست باب علم را
باطل آمد جای حق چون دید حق را بی کمک
وای در محراب قدس و منبر طاها نشست
خائنی پست و منافق با دو صد دوز و کلک
جلوه گر صبر خدا، تیغ ید الله در نیام
رفته خیر المرسلین و مرتضی مانده است تک
در چنین دور خطرناک و زمان فتنه بار
نطق زهرا کرد رسوا خائنان را یک به یک
جسم او چون گوهری بشکست و پنهان شد به خاک
در پی او سال ها بیهوده می گردد فلک
قبر زهرا مخفی و قبر امامان در بقیع
لیک در بیت محمد آن دو غاصب مشترک
در لهیب عشق و غیرت سوزد و گوید حسان
العجل یا حجت المهدی، یدالله معک

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

